

تخریج احادیث مرتبط با شأن نزول آیه ۷۸

سوره یاسین

حامد متوادی^۱

چکیده

تخریج حدیث به معنای گزارش پژوهشی درباره حدیثی مشخص است. این علم به ما امکان می‌دهد تا به منابع متعدد، متن‌های مختلف و طرق گوناگون حدیث دست پیدا کنیم. برخی از وقایع صدر اسلام در منابع فریقین به شکل‌های مختلفی روایت شده‌اند و برای دستیابی به متن صحیح، نیازمند بررسی تمامی گزارش‌ها هستیم. در یکی از این وقایع، فردی برای انکار معاد در حضور پیامبر ﷺ، استخوان پوسیده‌ای را به عنوان شاهد آورد که در دست انسان به راحتی پودر می‌شد. بسیاری از گزارش‌ها این رخداد را علت نزول آیات پایانی سوره یاسین ذکر کرده‌اند. در روایات، نام فردی که با پیامبر ﷺ احتجاج کرده، کیفیت پاسخی که از پیامبر ﷺ دریافت کرده و شأن نزول آیه مربوطه از جمله موضوعات اختلافی است. نتایج این پژوهش می‌تواند به ما کمک کند تا احتمال جعل در روایات و نیز میزان تأثیرپذیری روایات شیعه از منابع اهل سنت را به خوبی بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: سوره یاسین، تطور احادیث، دانش تخریج، متن‌پژوهی، علوم حدیث.

۱۵۵



سال پانزدهم / شماره ۲۸ / بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱. طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم، پژوهشگر مؤسسه میراث کتاب و سنت.

مقدمه

موضوع احتجاج با پیامبر ﷺ در انکار معاد، یکی از موضوعاتی است که در برخی از سور قرآنی، به‌ویژه در آیه ۷۸ سوره یاسین مورد بررسی قرار گرفته است. برای دستیابی به متن صحیح این آیه، لازم است روایات مختلف مربوط به شأن نزول آن مورد بررسی قرار گیرند.

با استفاده از دانش تخریج، می‌توانیم مجموعه‌ای از این روایات را گردآوری کرده و از این طریق به روند اصلی تغییرات و تطور آنها پی ببریم. یکی از فواید این کار، آشنایی با منابع حدیثی و تفاوت روش‌های مؤلفان در نقل روایات و تقویت متن آنها است. اگرچه برخی از مؤلفان اهل سنت در قرون گذشته اقدام به تخریج روایات کرده‌اند، اما به دلیل محدودیت‌های زمانی، حجم کمی از روایات گردآوری شده است.

در این پژوهش، سعی شده است با استفاده از کلیدواژه‌های مناسب، تمامی گزارش‌ها در قرون مختلف استخراج شوند. به‌کارگیری روش‌های مختلف نظیر جستجوی تعاقبی و ترکیبی کلیدواژه‌ها باعث شده تا به حجم بیشتری از روایات دست یابیم. در طول ۸ قرن، ۱۱۵ گزارش از میان ۷۷ کتاب مورد بررسی متنی قرار گرفته‌اند.

در پایان هر مقطع زمانی، تعداد منابع و گزارش‌های مربوط به آن مقطع مشخص شده و انواع متن‌ها به‌صورت «کوتاه»، «متوسط» و «بلند» دسته‌بندی شده‌اند. این پژوهش همچنین به بررسی کیفیت نقل احادیث در منابع شیعه و میزان تأثیرپذیری از گزارش‌های منابع قرن دوم و سوم اهل سنت پرداخته است. نتایج این بررسی‌ها در قسمت پایانی این نگاشته آمده است.

تخریج روایات به ترتیب تقدم منابع (قرن ۲ و ۳)

ممنوعیت نگارش و تدوین احادیث پس از رحلت پیامبر ﷺ موجب شد تا «نقل به معنا» به شکل گسترده‌تری در نظام تدوین روایات اهل سنت منتشر شود. قالب الفاظی که در عصر نبوی بیان شده با آنچه که راویان نقل می‌کنند متفاوت است و معنای مورد نظر در قالبی دیگر بیان می‌شود. از این‌رو، «استخراج» احادیث اهل سنت دشوارتر بوده و نیازمند ابزارها و دانش‌های جدید است.

با توجه به قابلیت‌هایی که در نرم‌افزارهای علوم اسلامی وجود دارد، می‌توان از نتیجه جستجو برای کشف کلیدواژه‌های جدید استفاده کرد و به این ترتیب به‌صورت تعاقبی و دنباله‌دار (از داده‌ای به داده دیگر رسیدن) روایات جدید را گزینش کرد. همچنین با ترکیب دو یا سه کلیدواژه، جستجو را به‌صورت ترکیبی دنبال نمود. با مطالعه روایات گوناگون در یک موضوع می‌توان به حدی از توانمندی رسید که فرضیاتی را در ذهن برای وجود روایات جدید طرح کرد و از این طریق به‌طور حدسی و با

خلق کلیدواژه‌های جدید یا به‌طور تجربی و با ترکیب کلیدواژه‌ها به حجم بیشتری از روایات دست یافت.

بر اساس روایات نقل شده، افرادی از کفار برای انکار دعوت پیامبر ﷺ استخوان پوسیده‌ای را مثال زدند و زنده شدن انسان پس از مرگ را امری غیر ممکن دانسته و آن را انکار می‌کردند. در اصل وقوع این حادثه اختلافی وجود ندارد، اما همان‌طور که بیان شد، در نام فردی که با پیامبر ﷺ احتجاج کرده و کیفیت پاسخی که او دریافت می‌کند و اینکه کدام آیه یا آیات قرآنی در این باره نازل شده است، نقل‌های مختلفی وجود دارد. غالب گزارش‌ها بیان داشته‌اند که آیات پایانی سوره یاسین به‌خصوص آیه ۷۸ و ۷۹ در این باره نازل شده‌اند. متن آیه چنین است:

۱۵۷



تفہیم احادیث مرتبط با شأن نزول آیه ۷۸ سوره یاسین

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ وَ برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد؛ گفت: چه کسی این استخوان‌ها را که چنین پوسیده است زندگی می‌بخشد؟ بگو همان خدایی که بار اول آن را ایجاد کرد دوباره زنده‌اش می‌کند و او به همه مخلوقات دانا است.

در بررسی منابع نخستین، سعی شده پیرامون شخصیت علمی مؤلفان مطالبی بیان شود. منابع نخستین شامل پنج منبع نخست از مجموعه منابع به‌دست‌آمده می‌باشند که اهمیت ویژه‌ای در انتشار روایات اهل سنت داشته‌اند.

۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان: نخستین منبعی که شاهد آوردن استخوان پوسیده توسط کفار و در مقام احتجاج با پیامبر ﷺ را گزارش کرده کتاب تفسیر «ابوالحسن مقاتل بن سلیمان^۱ از دی بلخی» متوفای سال ۱۵۰ هجری قمری است؛ محل تولد او بلخ بوده و در مرو تحصیل علم کرده است. وی پس از مدتی طولانی تدریس در خراسان به بصره و سپس به بغداد رفته و در آنجا به روایت حدیث پرداخته است.^۲ آیت‌الله خویی رحمته الله نیز در معجم خود نظر شیخ طوسی را مبنی بر اینکه مقاتل از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بوده نقل نموده و می‌فرماید: او از امام صادق علیه السلام روایت کرده است و حسن بن محبوب از او روایت می‌نماید.^۳

۱. برخی نام کامل وی را «مقاتل بن سلیمان بن بشیر از دی خراسانی مروزی» ذکر کرده‌اند. تفسیر مقاتل بن سلیمان و جایگاه آن، مطالعات قرآن و حدیث، سال دوم، شماره اول - پاییز و زمستان، ۱۳۸۷، صص ۹۵.

۲. نرم افزار جامع التفاسیر.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۳۳۷.

روایت احتجاج کفار با پیامبر ﷺ در جلد سوم و در صفحه ۲۳۰ این کتاب گزارش شده و پیرامون شأن نزول آیه ۳۳ سوره احقاف دانسته شده است^۱ اما در ذیل آیه ۷۶ سوره یاسین نیز روایت به شکل کامل تری بیان شده است. شکل کامل روایت چنین است:

فَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ (كفار مكة) إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ (من التّكذيب) وَ مَا يُعْلِنُونَ (آیه ۷۶) يظهرون من القول بألستهم حين قالوا للنبي ﷺ: كيف يبعث الله هذا العظم علانية، نزلت في أبي بن خلف الجمحي في أمر العظم و كان قد أضحكهم بمقالته فهذا الذي أعلنوا و ذلك أن أبا جهل و الوليد بن المغيرة و عتبة و شيبة ابني ربيعة و عتبة و العاص بن وائل كانوا جلوساً فقال لهم أبي بن خلف، قال لهم في النفر من قریش: إن محمداً يزعم أن الله يحيى الموتى و أنا آتیه بعظم فأسأله كيف يبعث الله هذا؟ فانطلق أبي بن خلف فأخذ عظماً بالياً، حائلاً نخراً، فقال: يا محمد تزعم أن الله يحيى الموتى بعد إذ بليت عظامنا و كنا تراباً تزعم أن الله يبعثنا خلقاً جديداً ثم جعل يفت العظم ثم يذريه في الريح و يقول: يا محمد من يحيى هذا؟ فقال النبي ﷺ: يحيى الله عز و جل هذا ثم يميتك ثم يبعثك ثم يدخلك نار جهنم^۲. فأنزل الله في أبي بن خلف أَوْ لَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ يَعْنِي

۱. قوله: (أولم يروا) يقول أو لم يعلموا (أن الله الذي خلق السماوات و الأرض) نزلت في أبي خلف الجمحي عمد فأخذ عظماً حائلاً نخراً فأتى به النبي ﷺ فقال: يا محمد أتعدنا إذا بليت عظامنا و كنا رفاتاً أن الله يبعثنا جديداً و جعل يفت العظم و يذريه في الريح و يقول: يا محمد، من يحيى هذا؟ قال النبي ﷺ: يحيى الله هذا، ثم يميتك، ثم يبعثك في الآخرة و يدخلك النار، فأنزل الله تعالى يعظه ليعتبر في خلق الله فيوحده، أو لم يروا أن الله أو لم يعلموا أن الله الذي خلق السماوات و الأرض لأنهم مقرون أن الله الذي خلقهما وحده. تفسير مقاتل بن سليمان.

۲. سخنی را که در دل داشتند بر زبان آشکار کردند هنگامی که به طور علنی و آشکار به پیامبر گفتند چگونه خداوند این استخوان را برمی انگیزاند. شأن نزول آیه درباره ابی بن خلف جمحی است که پیرامون (شاهد آوردن) استخوان نازل شده است در حالیکه او با گفته های خود دیگران را به خنده و می داشت. پس این آن چیزی است که آشکار نمودند. ابو جهل، ولید بن مغیره، عتبه و شیبه پسران ربیعه و عقیه و عاص بن وائل نشسته بودند که «ابی بن خلف به آن ها در میان گروهی از قریش گفت محمد ﷺ معتقد است که خداوند مردگان را زنده می کند و من برای او استخوانی می آورم و از او می پرسم خداوند چگونه این استخوان را برمی انگیزاند؟ ابی بن خلف به راه افتاد و استخوانی پوسیده ای دور افتاده که رنگ آن تغییر کرده بود را برداشت و گفت ای محمد آیا معتقدی خداوند مردگان را زنده می کند بعد از اینکه استخوان های ما پوسیده و ما در خاکیم؟ معتقدی که خداوند ما را به آفرینش جدیدی برمی انگیزاند؟ سپس استخوان را پودر کرد و در حالی که می گفت ای محمد چه کسی این را زنده می کند استخوان

أَوْ لَمْ يَعْلَمْ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ^۱

گویا قسمت اول گزارش جزو متن روایت نبوده و کلام مقاتل بن سلیمان است و به نظر متن روایت از عبارت «قال لهم في النفر من قریش» آغاز می‌شود. به هر حال اگر این اشکال را وارد ندانیم گزارش مربوطه نسبت به آنچه ذیل آیه ۳۳ سوره احقاف بیان شده تفصیل بیشتری دارد و به فضای صدور حدیث به طور کامل تری پرداخته است و روایت با وعده‌ای که پیامبر ﷺ به «أبي بن خلف» مبنی بر دخول در جهنم می‌دهد به پایان می‌رسد. البته در این کتاب تفسیری ذیل آیه ۴ سوره نحل مجدد به روایت مذکور اشاره شده است با این تفاوت که بیانی برای شأن نزول آیه نبوده بلکه فردی به نام «أبي بن خلف الجمحي» به عنوان مصداق آیه چهارم «خلق الإنسان من نطفة فإذا هو خصيم مبين» معرفی می‌شود چرا که او خصمانه خلقت دوباره انسان را منکر می‌شود.^۲

به لحاظ محتوایی می‌توان سه جزء برای نقل‌های مختلف روایت متصور بود؛ برخی از نقل‌ها مشتمل بر هر سه جزء «اشاره به فضای صدور»، «هسته اصلی» و «پاسخ پیامبر ﷺ» بوده که در این نگاشته برای این‌گونه از گزارش‌ها تعبیر «بلند» بکار رفته و برای گزارش‌هایی که فقط به هسته اصلی روایت پرداخته تعبیر «کوتاه» و برای گزارش‌های دو جزئی تعبیر «متوسط» بکار رفته است. با توجه به توضیحات داده شده گزارش‌های تفسیر مقاتل به جهت محتوایی هر سه گونه کوتاه، متوسط و بلند را شامل می‌شوند.

۲. تفسیر یحیی بن سلام: دومین منبعی که این متن را گزارش کرده کتاب «تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصري القيرواني» تألیف یحیی بن سلام (سلام) بن ابی ثعلبه تیمی بصری مغربی، متوفای سال ۲۰۰ هجری قمری است.^۳ در این کتاب تفسیری دو مرتبه به روایت مورد بحث

پودر شده را در باد رها ساخت. پیامبر ﷺ فرمود خدای عز و جل این (استخوان) را زنده می‌کند سپس تو را می‌میراند سپس تو را برمی‌انگیزاند و تو را وارد جهنم می‌کند و این چنین خداوند در شأن ابی بن خلف نازل کرد...»
۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۹۲.

۲. (خلق الإنسان من نطفة) یعنی ابی بن خلف الجمحي، قتله النبي ﷺ يوم أحد (فاذا هو خصيم مبين) [آیه: ۴] قال للنبي ﷺ: كيف يبعث الله هذه العظام و جعل يفتها و يذريها في الريح، و نظيرها في آخر يس (قال من يحيي العظام و هي رميم) [يس: ۷۸]. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲ ص ۲۱۴.

۳. «بن عاشور» در تبیین جایگاه علمی تفسیر یحیی بن سلام چنین می‌گوید: «تفسیر طبری ناگهان به وجود نیامد بلکه دنباله و نتیجه مرحله‌ای بود که تفسیر یحیی آن را آماده ساخت زیرا تفاسیر قبل از یحیی نقلی و روایی محض بودند. تفسیر یحیی روش روایی را با فهم و استنباط عقلی درهم آمیخت». تنی چند از مؤلفان اهل سنت مانند ابوعبدالله

اشاره شده است که مرتبه اول آن در ذیل آیه ۶۶ سوره مریم بوده که ظاهراً روایت مذکور بیانی برای شأن نزول آیه نیست بلکه «أبي بن خلف الجمحي» به عنوان مصداق آیه «وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا» معرفی می شود چرا که ابي بن خلف زنده شدن دوباره انسان را منکر می شود. ^۱ ذیل آیات پایانی سوره یاسین نیز روایت به این شکل بیان می شود:

المعلی عن أبي يحيى عن مجاهد قال: أتى أبي بن خلف الى النبي ﷺ بعظم بال فقال: أياحيي الله هذا و هو رميم؟ قال يحيى: فبلغني أن النبي ﷺ قال له: «يحييك الله بعد موتك ثم يدخلك النار»، فأنزل الله: قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ.^۲

در این روایت نیز اشاره ای به فضای صدور نشده و در دسته بندی محتوایی از نوع گزارش های متوسط به شمار می آید.

۳. تفسیر القرآن: سومین شخصی که این متن را گزارش کرده عبدالرزاق بن همام بن نافع ابوبکر حمیری صنعانی در کتاب تفسیر قرآن است. وی حدود ۱۲۶ هجری در یمن به دنیا آمد و در سال ۲۱۱ هجری قمری از دنیا رفت.^۳ روایت مورد بحث در کتاب تفسیر قرآن دو مرتبه و به دو شکل متفاوت نقل شده است. در ذیل آیه ۱۷ سوره انفال «و ما رميت إذ رميت و لكن الله رمى» با سند «عبدالرزاق عن معمر عن الزهري» چنین نقل شده است: «قال جاء أبي بن خلف الجمحي بعظم حائل فقال الله يحيي هذا يا محمد و هو رميم و هو يفت العظم؟ فقال النبي ﷺ يحييك ثم يبعثك ثم يدخلك النار فلما كان يوم أحد قال لئن رأيت محمدا لأقتلنه فبلغ ذلك النبي ﷺ فقال بل أنا أقتله إن شاء الله».^۴

قرطبی، ابوالفرج ابن جوزی، ابن حجر، مکی بن ابی طالب و سیوطی به آن تفسیر اعتماد نمودند..
۱. هذا المشرك يكذب بالبعث وقد ذكروا أنه قول أبي بن خلف للنبي (عليه السلام حيث جاء بعظم نخر ففته بيده ثم قال : يا محمد أياحيي الله هذا ؟ وتفسيره في سورة يس. تفسير يحيى بن سلام التيمي البصري القيرواني، ج ۱، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

۲. تفسير يحيى بن سلام التيمي البصري القيرواني، ج ۲، ص: ۸۲۰.

۳. عبدالرزاق صنعانی در طلب علم به حجاز، شام و عراق سفر کرد؛ علمای بزرگ دوران خودش را دید و از آن ها علم آموخت. او هفت سال پیش «معمر» زانوی شاگردی زد تا جایی که اغلب احادیث وی را حفظ کرد وی از اساتید زیادی نقل حدیث کرده که نشان از همش در طلب علم دارد. افرادی چون مالک بن انس، سفیان ثوری، زکریا بن اسحاق، عکرمه بن عمار و پدرش همام از جمله افرادی هستند که وی از آن ها نقل روایت کرده است.

۴. تفسیر القرآن - عبد الرزاق الصنعاني، ج ۲ - ص ۲۵۶ - ۲۵۷.

نکته قالب توجه در این روایت پایان متفاوت آن نسبت به گزارش های قبلی است. گزارش بعدی در صفحه ۱۴۶ جلد سوم کتاب در تفسیر آیه ۷۸ سوره یاسین با سند «عبد الرزاق عن معمر عن قتادة» چنین نقل شده است:

في قوله تعالى و ضرب لنا مثلا و نسي خلقه قال نزلت في أبي بن خلف جاء
بعظم نخر فجعل يذروه في الريح فقال أياحيي الله هذا يا محمد؟ قال النبي ﷺ
نعم يحيي الله هذا و يميتك و يدخلك النار

هر دو گزارشی که عبدالرزاق در کتاب خود نقل کرده در دسته بندی محتوایی از نوع گزارش های متوسط به شمار می آید.

۴. السيرة النبوية: چهارمین منبع کتاب السيرة النبوية معروف به سیره ابن هشام بوده که مشتمل بر اخبار تاریخی پیرامون سیره پیامبر ﷺ است. سیره ابن هشام یکی از مهم ترین منابع و مراجع تاریخی مسلمانان در حوزه سیره پژوهی به شمار می رود.^۱ در جلد نخست این کتاب و در صفحات ۲۴۲ و ۲۴۳ روایت چنین نقل شده است:

ومشي أبي بن خلف إلى رسول الله ﷺ بعظم بال قد أرفت فقال: يا محمد أنت
تزعمن أن الله يبعث هذا بعد ما أرم ثم فته في يده ثم نفخه في الريح نحو رسول
الله ﷺ، فقال رسول الله ﷺ: نعم أنا أقول ذلك يبعثه الله إياك بعد ما تكونان
هكذا ثم يدخلك الله النار فأنزله الله تعالى فيه: و ضرب لنا مثلا ونسي خلقه
قال من يحيى العظام وهي رميم قل يحييها الذي أنشأها أول مرة و هو بكل خلق
عليهم الذي جعل لكم من الشجر الأخضر نارا فإذا أنتم منه توقدون - ۷۸ إلى
۸۰ من سورة يس.

در این روایت عبارتی که از پیامبر ﷺ به عنوان پاسخ گزارش شده دارای الفاظ متفاوتی است

۱. نویسنده کتاب عبدالملک بن هشام، بن ایوب حمیری المعافری مشهور به جمال الدین (متوفی ۲۱۳ یا ۲۱۸ق)، محدث، مؤرخ، ادیب و نسب شناس، اهل سنت است. وی از عالمان مورد وثوق نزد اهل سنت بوده است که اغلب رجال شناسان سنی مذهب او را ستوده اند. عمده شهرت ابن هشام، تألیف کتاب سيرة النبوية است تا جایی که ابن خلکان در معرفی او بر کتاب سیره تأکید کرده و او را با نگارش همین کتاب معرفی کرده است. کتاب السيرة النبوية در واقع همان سیره ابن اسحاق است که ابن هشام به روایت زیاد بن عبد الملك بگایی عامری کوفی (م ۱۸۳ق) نقل و آن را اصلاح، تهذیب و تلخیص کرده است. از استادان و رجال حدیث او می توان ابو عبیده معمر بن مثنی ابوزید انصاری خلف احمر و هیشم بن عدی را نام برد. همچنین اسد بن موسی اموی را نیز باید از استادان معتبر او به شمار آورد، زیرا ابن هشام التیجان را بیش تر از طریق وی نقل کرده است. (سایت ویکی فقه).

ولی به جهت مضمونی مشابه عبارات قبلی است. در دسته بندی محتوایی این روایت نیز از نوع گزارش های متوسط به شمار می آید.

۵. غریب الحدیث: پنجمین منبعی که این متن را گزارش کرده «ابن سلام» متوفای ۲۲۴ هجری در کتاب «غریب الحدیث» است. ابو عبید قاسم بن سلام خُزاعی (هروی) از جمله ادبای برجسته عرب و صاحب تألیفات فراوان است.^۱ در جلد اول صفحات ۲۷۳ و ۲۷۴ کتاب غریب الحدیث روایت چنین گزارش شده است:

قال أبو عبید: و الرمیم فی قول أبي عبیدة مثل الرمة قال الله عز وجل « و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه قال من یحیی العظام و هی رمیم» یقال [منه]: قد رم العظم فهو یرم و یروی أن أبي بن خلف لما نزلت هذه الآية أتى بعظم بال إلى النبي ﷺ فجعل یفته و یقول: أتری الله یا محمد یحیی هذا بعد ما قد رم.

به ظاهر غرض مؤلف بررسی لغت «الرمة» بوده و به تناسب موضوع از حدیث مورد بحث استفاده شده است لذا در این گزارش نیز پاسخ پیامبر ﷺ ذکر نشده و در دسته بندی محتوایی از نوع گزارش های کوتاه به شمار می آید.

با توجه به کثرت گزارش ها در این نگاشته سعی شده از تکرار روایات جلوگیری شود و در ادامه به آدرس روایات اکتفا شده و داده های متنی مورد نیاز به صورت مختصر ارائه می شود. در جدول زیر خلاصه گزارش های منابع نخستین به همراه داده های مربوط به نقل های قرن سوم به شرح زیر است:

۱. افرادی نظیر معمر بن سلیمان نخعی، عبید بن سعید، شریک بن عبدالله نخعی، هُشیم بن بشیر، عتاد بن عوام کلابی، اسحاق بن عیسی بغدادی، محمد بن کثیر صنعانی، هشام بن جمیل بغدادی، محمد بن عیینة فزاری، نعیم بن حماد و ابوصالح کاتب اللیث به عنوان اساتید وی گزارش شده اند. از وی آثار فراوانی به یادگار مانده است که از آن جمله اند: کتاب الاموال، کتاب الغریب، فضائل القرآن، کتاب الناسخ و المنسوخ، کتاب المواعظ، معانی القرآن و غیره. او همچنین به عنوان مفسر احادیث مشکل شاخص شده بود، کتاب غریب الحدیث اوست که به گفته او حدود ۴۰ سال از عمرش را برای گردآوری مطالب آن صرف نموده بود و چنانکه از مندرجات کتاب برمی آید، آن را پس از سفر مصر (۲۱۳ق) در بغداد تألیف کرده و به روایتی به مأمون اهدا نموده بود. این کتاب از بدو تألیف مورد توجه محدثان بزرگ بغداد چون احمد بن حنبل و یحیی بن معین قرار گرفت و در اندک زمانی در شرق و غرب بلاد اسلامی رواج یافت؛ چنانکه نسخه ای از آن نزد عبدالله بن طاهر، والی وقت خراسان فرستاده شد؛ (نرم افزار جامع التفاسیر).

نوع متن	پاسخ پیامبر ﷺ	فضای صدور	آدرس	مشخصات منبع
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۲ ص ۲۱۴	تفسیر مقاتل بن سلیمان
بلند	دارد	دارد	ج ۳ ص ۹۲	تفسیر مقاتل بن سلیمان
متوسط	دارد	ندارد	ج ۳ ص ۲۳۰	تفسیر مقاتل بن سلیمان
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۱، ص ۲۳۴ و ۲۳۵	تفسیر یحیی بن سلام
متوسط	دارد	ندارد	ج ۲، ص ۸۲۰	تفسیر یحیی بن سلام
متوسط	دارد	ندارد	ج ۲، ص ۲۵۶ و ۲۵۷	تفسیر القرآن - عبد الرزاق الصنعانی
متوسط	دارد	ندارد	ج ۳، ص ۱۴۶	تفسیر القرآن - عبد الرزاق الصنعانی
متوسط	دارد	ندارد	ج ۱، ص ۲۴۲ و ۲۴۳	السیرۃ النبویۃ
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۱، ص ۲۷۳ و ۲۷۴	غریب الحدیث (ابن سلام)
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۱، ص ۱۳۷	بلاذری متوفای ۲۷۹، أنساب الأشراف
متوسط	ندارد	دارد	ج ۱، ص ۱۴۲ و ۱۴۳	أنساب الأشراف
متوسط	دارد	ندارد	ص ۷۰	ابن ابی الدنيا متوفای ۲۸۱، الأحوال
متوسط	دارد	ندارد	ج ۲، ص ۷۲۷	ابن أبی أسامة متوفای ۲۸۲، بغیۃ الباحث
متوسط	دارد	ندارد	ص ۲۲۵	بغیۃ الباحث
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۱، ص ۷۲	حربی متوفای ۲۸۵، غریب الحدیث

با توجه به داده‌های موجود در مجموع از میان ۹ منبع در قرن سوم ۱۵ روایت نقل شده است و از این تعداد آمار زیر به دست می‌آید:

۱. با ملاحظه دسته بندی‌های متنی در ۵ مورد به صورت گزارش کوتاه و ۹ مورد متوسط و ۱ مورد بلند نقل شده است.

۲. علاوه بر تفسیر مقاتل بن سلیمان که شرح آن گذشت تنها منبعی که فضای صدور را گزارش می‌کند کتاب أنساب الأشراف بوده که متن آن چنین است:

و قال النضر و أمية بن خلف و أبوجهل للنبي ﷺ: إن كان قرآنك من عند الله فأحي لنا آبائنا و أوسع لنا بلدنا بأن تسير هذه الجبال عنا فقد ضيقت مكة علينا أو اجعل لنا الصفا ذهابا نستغني عن الرحلة فإن فعلت ذلك آمنا بك. وكان النضر خطيب القوم فأنزل الله «و لو أن قرآنا سیرت به الجبال أو قطعت به الأرض أو كلم به الموتی» إلى قوله «فكيف كان عقاب».

این عبارات ترسیم کننده فضای مجادله تعدادی از کفار و مشرکین با پیامبر خاتم ص است که در نهایت شخصی به نام نضر به استخوان پوسیده مثال می‌زند.

۳. شش مورد پاسخ پیامبر ﷺ به فرد احتجاج کننده گزارش نشده است.

۴. با بررسی گزارش‌های مختلف معلوم می‌شود در تمامی گزارش‌های قرن دوم و سوم فرد احتجاج کننده ابی بن خلف جحمی نام برده شده و فقط در یک گزارش از کتاب الانساب فرد احتجاج کننده «النضر» معرفی شده است.^۱

۵. در مقایسه میان قرن سوم و قرن دوم تنها گزارشی که به جهت محتوایی از سه جزء فضای صدور، بیان کیفیت واقعه و پاسخ پیامبر ﷺ تشکیل شده گزارش کتاب تفسیر مقاتل است.

۶. در مقایسه میان قرن سوم و قرن دوم به جز دو گزارش که در جدول زیر مشخصات آن بیان شده تمامی نقل‌ها آیات پایانی سوره یاسین را آیه نازل شده بر این واقعه بیان می‌کنند.

دوره نقل	نام کتاب	آیات مرتبط با شأن نزول
قرن دوم	تفسیر مقاتل	آیه ۳۳ سوره احقاف
قرن سوم	تفسیر القرآن صنعانی	آیه ۱۷ انفال

بررسی گزارش‌های قرن چهارم

با محور قرار دادن موضوع مورد بحث یعنی احتجاج پیامبر ص با فردی که زنده شده مردگان را (با پودر کردن استخوان و دمیدن در آن) انکار می‌کرد نخستین منابعی که اقدام به گردآوری این نوع از روایات کرده به راحتی شناسایی می‌شوند. به ظاهر طبری نخستین فردی بوده که اقدام به گردآوری مجموعه‌ای از این احادیث کرده است. در کتاب جامع البیان ۵ روایت نقل شده است. پس از طبری ابن ابی حاتم رازی در کتاب تفسیر القرآن العظیم ۶ روایت را گزارش کرده است. داده‌های مربوط به گزارش‌های قرن چهارم به شرح زیر است:

مشخصات منبع	آدرس	فضای صدور	پاسخ پیامبر ﷺ	نوع متن
علی بن ابراهیم قمی متوفای ۳۰۷، تفسیر قمی،	ج ۲، ص ۳۲۳	ندارد	ندارد	کوتاه
طبری متوفای ۳۱۰، جامع البیان	ج ۲۳، ص ۳۸	ندارد	ندارد	کوتاه
جامع البیان	ج ۲۳، ص ۳۸	ندارد	دارد	متوسط
جامع البیان	ج ۲۳، ص ۳۸	ندارد	دارد	متوسط
جامع البیان	ج ۲۳، ص ۳۸	ندارد	دارد	متوسط
جامع البیان	ج ۹، ص ۲۷۲	ندارد	دارد	متوسط
عیاشی متوفای ۳۲۰، تفسیر العیاشی	ج ۲، ص ۲۹۶	ندارد	ندارد	کوتاه
ابن ابی حاتم متوفای ۳۲۷، تفسیر القرآن العظیم	ج ۱۰، ص ۳۲۰۲	ندارد	ندارد	کوتاه
تفسیر القرآن العظیم	ج ۱۰، ص ۳۲۰۲	ندارد	دارد	متوسط
تفسیر القرآن العظیم	ج ۱۰، ص ۳۲۰۲	ندارد	دارد	متوسط
تفسیر القرآن العظیم	ج ۱۰، ص ۳۲۰۲	ندارد	دارد	متوسط

تفسیر القرآن العظیم	ج ۱۰، ص ۳۲۰۲	دارد	دارد	بلند
تفسیر القرآن العظیم	ج ۱۰، ص ۳۲۰۲	ندارد	دارد	متوسط
أبو منصور ماتریدی متوفای ۳۳۳، کتاب تفسیر الماتریدی (تأویلات أهل السنة)	ص ۱۹۱	ندارد	دارد	متوسط
نحاس متوفای ۳۳۸، معانی القرآن	ج ۵، ص ۵۱۹ و ۵۲۰	ندارد	دارد	متوسط
إسماعیلی جرجانی متوفای ۳۷۱، المعجم فی أسامي	ج ۳، ص ۷۴۲	ندارد	دارد	متوسط
ابو لیث سمرقندی متوفای ۳۷۳ (۳۸۳)، تفسیر السمرقندی	ج ۳، ص ۱۲۵	ندارد	ندارد	کوتاه
تفسیر السمرقندی	ج ۳، ص ۱۲۵	دارد	ندارد	متوسط
ابن أبی زَمَنِین مالکی متوفای ۳۹۹، تفسیر القرآن العزیز	ج ۴، ص ۵۳ و ۵۴	ندارد	دارد	متوسط

در مجموع از میان ۹ منبع در قرن چهارم ۱۹ گزارش نقل شده است و از این تعداد آمار زیر به دست می‌آید:

۱. با ملاحظه دسته بندی‌های متنی در ۵ مورد به صورت گزارش کوتاه و ۱۳ مورد متوسط و یک مورد بلند نقل شده است.

۲. یک روایت از کتاب تفسیر السمرقندی فضای صدور را گزارش می‌کنند و عبارت «لما ذکر رسول الله ﷺ القرون الماضية أنهم يبعثون بعد الموت و أنکم یا أهل مكة معهم» در ابتدای روایت وارد شده و فضای حاکم بر این اتفاق را گزارش می‌دهد؛ و نیز یک روایت از کتاب تفسیر القرآن العظیم است که عبارت آن چنین است: «لما أنزل الله علی رسوله ﷺ إن الناس يحاسبون بأعمالهم و مبعوثون يوم القيامة أنکروا ذلك إنکارا شديدا» همان طور که مشخص است دو عبارت کاملاً متفاوت‌اند.

۳. پنج مورد پاسخ پیامبر ﷺ به فرد احتجاج کننده گزارش نشده است.

۴. با بررسی معلوم می‌شود در غالب گزارش‌های قرن چهارم از ابی بن خلف جحیمی به‌عنوان فرد احتجاج‌کننده نام برده شده است اما برای نخستین بار نام‌های «عاص بن وائل سهمی» و «عبدالله بن ابی» نیز در گزارش‌ها به چشم می‌خورد. در مجموع نام عاص بن وائل، ۷ مرتبه و نام عبدالله بن ابی، یک مرتبه بیان شده است.

۵. به جز گزارش منسوب به علی بن ابراهیم که آیات ابتدائی سوره قاف را بیان داشته تمامی نقل‌ها آیات پایانی سوره یاسین را نازل بر این واقعه بیان می‌کنند.

بررسی گزارش‌های قرن پنجم

در قرن پنجم نیز برخی منابع نظیر «الکشف والبیان عن تفسیر القرآن» و «أسباب نزول الآیات» اقدام به تخریج روایات کرده‌اند البته در این منابع به گردآوری ۳ الی ۴ حدیث بسنده شده است. از نکات قابل تأمل برای گزارش‌های این قرن معرفی آیه ۴ سوره نحل به‌عنوان شأن نزول برای رویداد مورد بحث است.^۱ نخستین بار جناب مقاتل بن سلیمان متوفای ۱۵۰ این روایت را در ذیل آیه ۴ سوره نحل بیان نمود با این تفاوت که در گزارش وی تصریحی به شأن نزول آیه برای رویداد مورد بحث نشده است^۲ در حالیکه در گزارش دیگر او در همان کتاب به شأن نزول آیه با این تعبیر تصریح شده است «فأنزل الله فی ابی بن خلف أو لم یر الإنسان (یعنی أ و لم يعلم الإنسان) أَنَا خَلَقْنَا مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» یعنی آیه ۷۷ سوره یاسین در شأن رویداد مربوطه نازل شده است. بنابراین برای ادعای ثعلبی تا چهار قرن نخست از مجموع منابع به دست آمده منبعی وجود ندارد. داده‌های مربوط به گزارش‌های قرن پنجم به شرح زیر است:

مشخصات منبع	آدرس	فضای صدور	پاسخ پیامبر ﷺ	نوع متن
حاکم نیشابوری متوفای ۴۰۵، المستدرک	ج ۲، ص ۴۶۶	ندارد	دارد	متوسط

۱. خلق السماوات والأرض بالحق تعالی عما یشرکون خلق الإنسان من نطفة فإذا هو خصیم یجادل بالباطل مبین نظیره قوله: ولا تکن للخائنین خصیما. نزلت هذه الآية فی ابی بن خلف الجمحی حین جاء بالعظم الرمیم إلى رسول الله ﷺ فقال: یا محمد أترى الله یحیی هذا بعد ما قد رم؟ نظیرها قوله: أولم یر الإنسان أَنَا خَلَقْنَا مِنْ نُطْفَةٍ إلى آخر السورة نزلت فی هذه القصة أيضا. الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶ و ۷.

۲. (خلق الإنسان من نطفة) یعنی ابی بن خلف الجمحی، قتله النبی ﷺ یوم أحد (فإذا هو خصیم مبین) [آیه: ۴] قال للنبی ﷺ: کیف یبعث الله هذه العظام و جعل یفتها و یذریها فی الریح، و نظیرها فی آخر یرس (قال من یحیی العظام و هی رمیم) [یس: ۷۸]. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲ ص ۲۱۴.

متوسط	ندارد	دارد	ص ۲۴۶	شیخ مفید متوفای ۴۱۳، امالی
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۶، ص ۶ و ۷	ثعلبی متوفای ۴۲۷، الكشف والبيان عن تفسير القرآن
متوسط	دارد	ندارد	ج ۸، ص ۱۳۷	الكشف والبيان عن تفسير القرآن
متوسط	دارد	ندارد	ج ۴، ص ۳۳۸	الكشف والبيان عن تفسير القرآن ^۱
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۱ ص ۵۸۸	ابو نعیم أصفهانی متوفای ۴۳۰، دلائل النبوة
متوسط	دارد	ندارد	ص ۶۰۷۰	أبو محمد مكي القيسي القيرواني، متوفای ۴۳۷، الهداية إلى بلوغ النهاية
متوسط	دارد	ندارد	ج ۵، ص ۳۳	ماوردی متوفای ۴۵۰، النکت و العیون
متوسط	ندارد	دارد	ص ۱۹	شیخ الطوسي متوفای ۴۶۰، الأمالي
کوتاه	ندارد ^۲	ندارد	ج ۸ ص ۴۷۸	التبيان في تفسير القرآن
متوسط	دارد	ندارد	ج ۱، ص ۳۸۷	خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳، تلخیص المتشابه فی الرسم
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۲، ص ۹۰۴	واحدی النیسابوری متوفای ۴۶۸، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز
کوتاه	ندارد	ندارد	ص ۵۱۴	الوسیط فی تفسیر القرآن المجید
کوتاه	ندارد	ندارد	ص ۲۴۶	أسباب نزول الآيات
متوسط	دارد	ندارد	ص ۲۴۶	أسباب نزول الآيات
کوتاه	ندارد	ندارد	ص ۱۸۸	أسباب نزول الآيات

۱. در این گزارش به ماجرای کشته شدن شخص معاند توسط پیامبر ﷺ نیز اشاره شده است.

۲. در این گزارش پاسخ پیامبر ﷺ به لفظ «نعم» خلاصه شده لذا در داده‌های جدول بعنوان پاسخ لحاظ نشده است.

عبدالقاهر جرجانی متوفای ۴۷۱، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم	ج ۲، ص ۱۸۲	دارد	ندارد	متوسط
خواجه عبدالله انصاری متوفای ۴۸۱، کشف الاسرار و عدة الابرار	ج ۵، ص ۵۸۲	ندارد	دارد	متوسط
سمعانی متوفای ۴۸۹، تفسیر السمعانی	ج ۴، ص ۳۸۹	ندارد	دارد	متوسط

در مجموع از میان ۱۵ منبع در قرن پنجم ۱۹ روایت نقل شده است و از این تعداد آمار زیر به دست می آید:

۱۶۹



۱. با ملاحظه دسته بندی های متنی در ۷ مورد به صورت گزارش کوتاه و ۱۲ مورد متوسط نقل شده است.

۲. در ۳ گزارش به فضای صدور این اتفاق اشاره شده که دو گزارش مشابه یکدیگر بوده و در واقع گزارش شیخ طوسی تکرار گزارش شیخ مفید است. در صدر روایت شیخ مفید در امالی عبارت چنین بیان شده است:

أَنَّ نَفَرًا مِنْ قُرَيْشٍ اعْتَرَضُوا لِرَسُولِ اللَّهِ مِنْهُمْ عُثْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَ أُمَيَّةُ بْنُ خَلْفٍ وَ الْوَلِيدُ بْنُ الْمُغِيرَةِ وَ الْعَاصُ بْنُ سَعِيدٍ فَقَالُوا يَا مُحَمَّدُ هَلُمَّ فَلْنَعْبُدْ مَا تَعْبُدُ وَ تَعْبُدُ مَا نَعْبُدُ وَ نَشْتَرِكَ نَحْنُ وَ أَنْتَ فِي الْأَمْرِ فَإِنْ يَكُنِ الَّذِي نَحْنُ عَلَيْهِ الْحَقُّ فَقَدْ أَخَذْتَ بِحِطِّكَ مِنْهُ وَإِنْ يَكُنِ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ الْحَقُّ فَقَدْ أَخَذْنَا بِحِطَّتِنَا مِنْهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ - وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ

در صدر گزارش جرجانی فضای صدور روایت چنین نقل شده است:

أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ ذَكَرَ لِقُرَيْشِ الْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ وَ مَا ذَا أَهْلَكُوا بِهِ وَ قَالَ: «ثُمَّ يَعِيدُهُمُ اللَّهُ خَلْقًا جَدِيدًا بَعْدَ الْمَوْتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» فَأَخَذَ أَبِي بَنِ خَلْفٍ...

۳. از مجموع گزارش ها ۱۰ مورد پاسخ پیامبر ﷺ به فرد احتجاج کننده نقل نشده است.

۴. با بررسی معلوم می شود در غالب گزارش های قرن پنجم از ابی بن خلف جحمی به عنوان فرد احتجاج کننده نام برده شده است گزارش های متفاوت در جدول زیر قابل مشاهده است:

فرد احتجاج کننده	منبع گزارش
عاص بن وائل	«مستدرک» و «تلخیص المتشابه فی الرسم»
دو وجهی (عاص بن وائل و ابی بن خلف)	«النکت و العیون» و «الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز»
امیه بن خلف	الهدایة إلى بلوغ النهایة

۵. از میان نقل‌های مختلف تنها ۲ گزارش از کتاب «الکشف والبیان عن تفسیر القرآن» آیات پایانی سوره یاسین را نازل بر این داستان بیان نمی‌کنند؛ یک گزارش آیه ۴ سوره نحل و دیگری آیه ۱۷ سوره انفال را معرفی کرده‌اند.

بررسی گزارش‌های قرن ششم

برخی منابع قرن ششم نظیر «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز» و «زاد المسیر فی علم التفسیر» ضمن نقل روایت مورد بحث به تفاوت‌های متنی موجود در نقل‌های مختلف نیز اشاره کرده‌اند. در تالیفات مربوط به قرن ششم برای نخستین بار آیه ۶۶ سوره مریم به‌عنوان شأن نزول رخداد مورد بحث معرفی می‌شود.^۱ اگر چه جناب یحیی بن سلام متوفای ۲۰۰ روایت مورد بحث را در ذیل آیه ۶۶ سوره مریم بیان نمود اما وی تصریحی به شأن نزول آیه برای رویداد مورد بحث ندارد.^۲ داده‌های مربوط به گزارش‌های قرن ششم به شرح زیر است:

۱. انزل قوله (و يقول الانسان) الآية، في أبي بن خلف الجمحي، وذلك أنه أخذ عظما باليا فجعل يفته بيده و يذريه في الريح و يقول: زعم محمد صلى الله عليه وآله وسلم أن الله يبعثنا بعد أن نموت و نكون عظاما مثل هذا إن هذا شيء لا يكون أبدا عن الكلبي. تفسير مجمع البيان، ج ۶، ص ۴۳۷. قوله تعالى: (و يقول الانسان) سبب نزولها أن أبي بن خلف أخذ عظما بالياء فجعل يفته بيده و يذريه في الريح و يقول: زعم لكم محمد أن الله يبعثنا بعد أن نكون مثل هذا العظم البالي فنزلت هذه الآية. زاد المسير في علم التفسير، ج ۵، ص ۱۷۵.

۲. هذا المشرك يكذب بالبعث و قد ذكروا أنه قول أبي بن خلف للنبي (عليه السلام) حيث جاء بعظم نخر ففته بيده ثم قال: يا محمد أحيي الله هذا؟ و تفسيره في سورة يس. تفسير يحيى بن سلام التيمي البصري القيرواني، ج ۱، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

نوع متن	پاسخ پیامبر ﷺ	فضای صدور	آدرس	مشخصات منبع
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۳، ص ۶۲	حسین بن مسعود البغوي متوفای ۵۱۰، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن
متوسط	دارد	ندارد	ج ۴، ص ۲۰	معالم التنزیل فی تفسیر القرآن
کوتاه	ندارد	ندارد	ص ۱۶	أبو القاسم محمود بن حمزة الکرمانی متوفای ۵۳۱، لباب التفاسیر
متوسط	دارد	ندارد	ج ۴، ص ۱۴	النسفی متوفای ۵۳۷، مدارک التنزیل و حقائق التأویل (تفسیر النسفی)
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۲، ص ۵۹۳	زمخشری متوفای ۵۳۸، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل
بلند	دارد	دارد	ج ۴، ص ۳۲ و ۳۳	الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۲، ص ۶۰	الفايق في غريب الحديث
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۴، ص ۴۶۳ و ۴۶۴	ابن عطية الأندلسي متوفای ۵۴۶، المحرر الوجيز في تفسیر الكتاب العزيز
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۶، ص ۴۳۷	طبرسی متوفای ۵۴۸، تفسیر مجمع البيان ^۱
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۸، ص ۲۹۰	تفسیر مجمع البيان ^۲
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۱، ص ۱۴ و ۱۵	الاحتجاج الشيخ الطبرسی ^۳
متوسط	دارد	ندارد	ج ۱، ص ۱۲۷	أبو الحسين يحيى بن أبي الخير العمراني

۱. در این گزارش عبارت «مثل هذا، إن هذا شيء لا يكون أبدا» به استدلال فرد احتجاج کننده اضافه شده است.

۲. پاسخ پیامبر ﷺ کوتاه بیان شده و به ذکر «نعم» بسنده شده که در این جدول جزو متون کوتاه به شمار آمده است.

۳. امام برای تبیین بحث جدال احسن به این روایت استناد می کند و در مقام بیان جزئیات اتفاق نمی باشد.

			و ۱۲۸	اليمني الشافعي متوفى ۵۵۸، الانتصار في الرد على المعتزلة القدرية الأشرار
متوسط	دارد	ندارد	ج ۳، ص ۱۹۸	أبو القاسم عبد الرحمن السهيلي متوفى ۵۸۱، الروض الأنف في شرح السيرة النبوية لابن هشام ^۱
کوتاه	ندارد	ندارد	ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۵۱	ابن شهر آشوب متوفى ۵۸۸، مناقب آل أبي طالب
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۵، ص ۱۷۵	ابن جوزى متوفى ۵۹۷، زاد المسير في علم التفسير
متوسط	دارد	ندارد	ج ۶، ص ۲۸۳	زاد المسير في علم التفسير
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۴، ص ۳۱۳ و ۳۱۴	زاد المسير في علم التفسير

در مجموع تعداد ۱۷ گزارش از مجموع ۱۲ منبع در قرن ششم ثبت شده است و از این تعداد آمار زیر به دست می آید:

۱. با ملاحظه دسته بندی های متنی در ۱۱ مورد به صورت گزارش کوتاه و ۵ مورد متوسط و ۱ مورد نیز بلند نقل شده است.

۲. در گزارشی که متن آن نسبت به دیگر گزارش ها بلند است فضای حاکم بر اتفاق با تفصیل بیشتری بیان شده است زمخشری فضای حاکم را چنین گزارش می دهد:

أن جماعة من كفار قریش منهم أبي بن خلف الجمحي وأبو جهل والعاصي بن وائل والوليد بن المغيرة تكلموا في ذلك، فقال لهم أبي: ألا ترون إلى ما يقول محمد إن الله يبعث الأموات ثم قال: واللات والعزى لأصيرن إليه ولأخصمنه....

۳. از میان نقل های قرن ششم ۱۰ مورد پاسخ پیامبر ص به فرد احتجاج کننده گزارش نشده است.

۱. این روایت تکرار نقل ابن هشام متوفای ۲۱۸ بوده که بحث آن گذشت.

۴. با بررسی معلوم می‌شود در غالب گزارش‌های قرن ششم از ابی بن خلف جحمی به‌عنوان فرد احتجاج‌کننده نام برده شده است^۱ و فقط در گزارش کتاب احتجاج از هیچ فردی نامی برده نمی‌شود. در کتاب «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز» اقوال مختلف مطرح شده و در نهایت نام ابی بن خلف به عنوان قول صحیح بیان می‌شود. تغییرات متنی قرن ششم نسبت به نام فرد احتجاج‌کننده در جدول زیر قابل مشاهده است:

منبع گزارش	فرد احتجاج‌کننده
المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز	بیان چهار قول: أمیة بن خلف، عبد الله بن أبي ابن سلول، ابی بن خلف و المعاصي بن وائل السهمي ^۲
زاد المسیر فی علم التفسیر	بیان پنج قول: العاص بن وائل السهمي، عبد الله بن أبي ابن سلول، أبو جهل بن هشام، أمیة بن خلف و أبي بن خلف الجمحي
تفسیر مجمع البیان	دو وجهی (عاص بن وائل و ابی بن خلف)

۵. غالب نقل‌های قرن ششم، آیات پایانی سوره یاسین را نازل بر واقعه مربوطه بیان می‌کنند از این میان گزارش‌هایی که مشرف بر آیات پایانی سوره یاسین نیستند به شرح زیر است:

بیان آیه	تعداد گزارش	منبع گزارش
ندارد	۲	الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل
آیه ۶۶ سوره مریم	۱	تفسیر مجمع البیان
آیه ۶۶ سوره مریم	۱	زاد المسیر فی علم التفسیر
آیه ۴ سوره نحل	۱	لباب التفاسیر

۱. شیخ طبرسی در کتاب مجمع البیان و ابن جوزی در کتاب زاد المسیر به گزارشی از ابن عباس اشاره می‌کنند که نام فرد احتجاج‌کننده ولید بن مغیره بیان شده است. «و قيل: نزلت في الوليد بن المغيرة في رواية عطاء، عن ابن عباس». تفسیر مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۳۷. «و روی عطاء عن ابن عباس: أنه الوليد بن المغيرة». زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۵، ص ۱۷۵.

۲. در این گزارش ظاهراً نام «العاص» تصحیف شده و به اشتباه «المعاصی» ثبت شده است.

بررسی گزارش‌های قرن هفتم

متنی که مشرف به فضای حاکم بر رخداد مورد بحث باشد در گزارش‌های تخریج شده قرن هفتم یافت نشد. منابع یافت شده در این قرن نسبت به قرن ششم و قرن هشتم کمتر است. بنابراین نمی‌توان تناسبی میان تأخر منابع و کثرت و یا تغییر گزارش‌ها متصور شد. علاوه بر اینکه تعداد گزارش‌ها در هر قرن قابل پیش‌بینی نبوده افزایش متن آن نیز غیر قابل پیش‌بینی بوده و بلکه دارای سیر مشخصی نیز نیستند. داده‌های مربوط به قرن هفتم به شرح زیر است:

مشخصات منبع	آدرس	فضای صدور	پاسخ پیامبر ﷺ	نوع متن
فخر الدین الرازی متوفای ۶۰۶، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)	ج ۲۶، ص ۹۴	ندارد	دارد	متوسط
التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) ^۱	ج ۱۵، ص ۱۱۳	ندارد	دارد	متوسط
ابن اثیر متوفای ۶۳۰، الکامل فی التاریخ	ج ۲، ص ۷۲	ندارد	ندارد	کوتاه
فخار بن معد موسوی متوفای ۶۳۰، ایمان أبی طالب	ص ۲۰۰	ندارد	ندارد	کوتاه
سلیمان بن موسی الکلاعی متوفای ۶۳۴، الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله ﷺ و الثلاثة الخلفا	ج ۱، ص ۲۱۵ و ۲۱۶	ندارد	دارد	متوسط
محمد بن عبد الواحد المقدسی متوفای ۶۴۳، الأحادیث المختارة أو المستخرج من الأحادیث المختارة مما لم یخرجه البخاری و مسلم فی	ج ۱۰، ص ۸۷ و ۸۸	ندارد	دارد	متوسط

۱۷۴

جزوه

کتاب

۱. در این گزارش همانند گزارش ثعلبی به ماجرای کشته شدن شخص احتجاج کننده به دست پیامبر ﷺ نیز اشاره شده است.

صحیحیہما				
عبدالرزاق رسعنی متوفای ۶۶۰، رموز الكنوز فی تفسیر الکتاب العزیز	ج ۴، ص ۴۴۵ و ۴۴۶	ندارد	ندارد	کوتاہ
عز بن عبدالسلام متوفای ۶۶۰، تفسیر العز بن عبدالسلام	ج ۳، ص ۴۶	ندارد	دارد	متوسط
قرطبی متوفای ۶۷۱، الجامع لأحكام القرآن	ج ۱۰، ص ۶۸	ندارد	ندارد	کوتاہ
الجامع لأحكام القرآن	ج ۱۵، ص ۵۷ و ۵۹	ندارد	دارد	متوسط
عبد الله بن محمد بیضاوی متوفای ۶۸۲، أنوار التنزیل و أسرار التأویل	ج ۳، ص ۲۲۰ و ج ۳، ص ۳۸۷	ندارد	ندارد	کوتاہ
أنوار التنزیل و أسرار التأویل	ج ۴، ص ۲۷۴	ندارد	دارد	متوسط

در مجموع تعداد ۱۲ گزارش از ۹ منبع در قرن هفتم ثبت شده است و از این تعداد آمار زیر به دست می آید:

۱. با ملاحظه دسته بندی های متنی در ۵ مورد به صورت گزارش کوتاہ و ۷ مورد به صورت متوسط نقل شده است.

۲. از میان نقل های قرن هفتم ۵ مورد پاسخ پیامبر ص به فرد احتجاج کننده گزارش نشده است.

۳. با بررسی معلوم می شود در غالب گزارش های قرن هفتم از ابی بن خلف جحمی به عنوان فرد احتجاج کننده نام برده شده است تغییرات متنی قرن هفتم نسبت به نام فرد احتجاج کننده در جدول زیر قابل مشاهده است:

فرد احتجاج کننده	منبع گزارش
عاص بن وائل	الأحاديث المختارة أو المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج البخاري ومسلم في صحيحهما
دو وجهی (عاص بن وائل و ابی بن خلف)	تفسير العز بن عبد السلام
بیان سه قول: عبد الله بن أبي، عاص بن وائل، أبي بن خلف	الجامع لأحكام القرآن

۴. از میان نقل‌های مختلف گزارش کتاب «تفسير الرازي» آیه ۱۷ سوره انفال و گزارش کتاب «رموز الكنوز فی تفسير الكتاب العزيز» آیه ۶۶ سوره مريم را نازل بر این داستان بیان داشته و باقی گزارش‌ها مشرف بر آیات پایانی سوره یاسین است.

بررسی گزارش‌های قرن هشتم

یکی از موضوعات مورد سؤال در شأن نزول آیات این است که آیا می‌توان شأن نزول مربوط به یک آیه را به آیات و یا مضامین مشابه تعمیم داد؟ فردی با پیامبر ﷺ در مقام مخاصمه برای انکار معاد به استخوان پوسیده مثال می‌زند و آیه‌ای نازل می‌شود آیا می‌توان هر آیه و یا مضمون قرآنی که در مورد انکار معاد است را بر واقعه مربوطه حمل کرد؟ کما اینکه در آثار برخی مؤلفان اهل سنت تا حدودی این‌گونه عمل شده است؛ البته تفصیل بحث خارج از مأموریت نگارنده است اما در گزارش‌های مربوط به قرن ۸ برخی از مؤلفان اهل سنت نظیر علاءالدین علی بن محمد بغدادی مشهور به «خازن» بر این باورند که این طیف از آیات را می‌توان بر هر اتفاقی که در انکار با معاد بوده حمل کرد.^۱ البته با توجه به گزارش‌های موجود در منابع اهل سنت فرضیه دیگری را نیز می‌توان مطرح کرد و آن فرضیه تناسب میان «تکرار حوادث مشابه در عصر نبوی» و «نزول آیات با مضامین مشابه» است یعنی با توجه به گزارش‌های موجود مخاصمه یک فرد (و یا افرادی) با پیامبر ﷺ برای انکار معاد به دفعات در عصر نبوی «تکرار» شده است. به‌عنوان مثال فرد و یا افرادی مانند ابی بن

۱. وی در ذیل آیه ۴ سوره نحل موضوع را چنین بیان می‌کند: «و الصحيح أن الآية عامة في كل ما يقع من الخصومة في الدنيا و يوم القيامة و حملها على العموم أولى و فيها بيان القدرة و أن الله خلق الإنسان من نقطة قذرة فصار جبارا كثيرا لخصومة و فيه كشف قبيح ما فعله الكفار من جحدهم نعم الله تعالى مع ظهورها عليهم.»

خلف جهمی در زمان‌های مختلف و در حالات گوناگون (که ممکن است افراد مختلفی نیز او را همراهی کرده باشند) با پیامبر ﷺ در انکار معاد دشمنی می‌کرده است و تکرار این اتفاقات باعث نزول آیات مختلف با مضامین مشابه است. کما اینکه در کتاب «تفسیر مبهمات القرآن» که از نگاشته‌های قرن هشتم است در ذیل آیه ۲۸ سوره لقمان «ما خَلَقْکُمْ وَلَا بَعَثْکُمْ إِلَّا کَنْفُسٍ وَاحِدَةً» گزارشی نقل شده که تا حدی این فرضیه را تقویت می‌کند.^۱ در ادامه داده‌های مربوط به قرن هشتم به شرح زیر است:

مشخصات منبع	آدرس	فضای صدور	پاسخ پیامبر ﷺ	نوع متن
عبدالله بن احمد نسفی متوفای ۷۱۰، مدارك التنزيل و حقایق التأویل ^۲	ج ۴، ص ۲۲ و ۲۳	ندارد	دارد	متوسط
علي بن محمد البغدادي الشهير بالخازن متوفای ۷۲۵، لباب التأویل في معاني التنزيل	ج ۴، ص ۷۹ و ج ۳، ص ۶۷	ندارد	ندارد	کوتاه
نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمي النيسابوري متوفای ۷۲۸، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان	ج ۴، ص ۲۴۳ و ۲۴۴	ندارد	ندارد	کوتاه
تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان	ج ۵، ص ۵۴۷	دارد	دارد	بلند
نویری متوفای ۷۳۳، نهاية الأرب في فنون الأدب	ج ۱۶، ص ۱۹۳ و ۱۹۴	ندارد	دارد	متوسط
غرناطي کلبی متوفای ۷۴۱، التسهيل لعلوم التنزيل	ج ۲، ص ۱۸۷	ندارد	دارد	متوسط

۱. (سي) حکى النَّفَّاسُ أَنَّ هَذِهِ [الآيَةَ] نَزَلَتْ فِي أَبِي بَنِ خُلْفٍ وَ أَبِي الْأَسْوَدِ وَ نَبِيهِ وَ مِنْهُ ابْنِي الْحَجَّاجِ قَالُوا: يَا مُحَمَّدُ إِنَّا نَرَى الطِّفْلَ يَخْلُقُ بِتَدْرِيجٍ وَ أَنْتَ تَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يَعِيدُنَا دَفْعَةً وَاحِدَةً فَنَزَلَتْ الْآيَةُ بِسَبَبِهِمْ. تفسیر مبهمات القرآن، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲. برخلاف دیگر گزارشات در این کتاب شأن نزول مرتبط با رخداد مورد بحث آیه ۷۶ سوره ياسين معرفی شده است.

متوسط	دارد	ندارد	ج ۵، ص ۶۷۴	محمد بن أبي الجوزية متوفای ۷۵۱، زاد المعاد في هدي خير العباد
متوسط	دارد	ندارد	ج ۳، ص ۱۶۷	زيلعي متوفای ۷۶۲، تخريج الأحاديث والآثار
بلند	دارد	دارد	ج ۳، ص ۱۶۷	تخريج الأحاديث والآثار
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۳، ص ۱۶۸	تخريج الأحاديث والآثار
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۳، ص ۱۶۷	تخريج الأحاديث والآثار
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۲، ص ۲۲۵	تخريج الأحاديث والآثار
متوسط	دارد	ندارد	ج ۳، ص ۱۱۲	ابن كثير متوفای ۷۷۴، البداية و النهاية
متوسط	دارد	ندارد	ج ۳، ص ۵۸۸	تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)
متوسط	دارد	ندارد	ج ۳، ص ۵۸۸ و ۵۸۹	تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۲، ص ۳۹۶	محمد بن على بلنسی متوفای ۷۸۲، تفسير مبهمات القرآن
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۲، ص ۲۶	زركشي متوفای ۷۹۴، البرهان

در مجموع تعداد ۱۷ گزارش از ۱۱ منبع در قرن هشتم ثبت شده است و از این تعداد آمار زیر به دست می آید:

۱. با ملاحظه دسته بندی های متنی، ۷ مورد گزارش کوتاه و ۲ مورد بلند و ۸ مورد هم به صورت متوسط نقل شده است.
۲. دو گزارش به فضای حاکم بر روایت پرداخته اند در کتاب «تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان» فضای حاکم بر روایت چنین بیان شده است: «قول كثير من المفسرين إنها نزلت في جماعة من كفار قريش تكلموا في البعث فقال اللهم أبي بن خلف الجمحي: واللوات والعزى لأصيرن إلى محمد ولأخصمنه».

گزارش کتاب «تخریج الأحادیث و الآثار» نیز مشابه همین گزارش می‌باشد.^۱

۳. از میان نقل‌های قرن هشتم ۷ مورد پاسخ پیامبر ﷺ به فرد احتجاج کننده گزارش نشده است.
 ۴. در غالب گزارش‌های قرن هشتم از ابی بن خلف جحمی به عنوان فرد احتجاج کننده نام برده شده است تغییرات متنی قرن هشتم نسبت به نام فرد احتجاج کننده در جدول زیر قابل مشاهده است:

فرد احتجاج کننده	منبع گزارش
عاص بن وائل	التسهيل لعلوم التنزيل
عاص بن وائل	تخریج الأحادیث والآثار
عاص بن وائل	تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)
ابی جهل	تخریج الأحادیث والآثار
بیان چهار قول: عبد الله بن أبي، أمية بن خلف، عاص بن وائل، أبي بن خلف	تفسير مبهمات القرآن

۵. از میان نقل‌های مختلف، یک گزارش در کتاب «زاد المعاد في هدي خير العباد» و ۳ گزارش در کتاب «تخریج الأحادیث والآثار» به شأن نزول آیه اشاره‌ای نداشته‌اند. گزارش کتاب «لباب التأويل في معاني التنزيل» آیه ۴ سوره نحل را نازل بر این داستان بیان داشته است و البته مؤلف کتاب به آیه ۷۸ سوره یاسین نیز اشاره دارد و هر دو وجه را در شأن نزول رخداد مورد نظر صحیح می‌داند. باقی گزارش‌ها آیات پایانی سوره یاسین را نازل بر داستان مورد بحث بیان کرده‌اند.

بررسی گزارش‌های قرن نهم

با بررسی آنچه تا کنون پیرامون وجوه مختلف گزارش‌ها اعم از کوتاه، متوسط و بلند نقل شد علت نقل برخی گزارش‌های کوتاه تا حدی معلوم می‌شود. برخی مؤلفان نظیر عمر بن علي الحنبلي که از مؤلفان قرن نهم است به فراخور مطالب مورد بحث اشاره‌ای به گزارش موضوع احتجاج و مخاصمه با پیامبر ﷺ در انکار معاد داشته‌اند و از ابتدا در مقام بیان تمام جزئیات نیستند و چه بسا ممکن است در جلد دیگری از همان کتاب به شکل تفصیلی به جزئیات بیشتر گزارش بپردازند. در

۱. روي أن جماعة من كفار قريش منهم أبي بن خلف وأبو جهل والعاص بن وائل والوليد بن المغيرة تكلموا في ذلك فقال لهم أبي ألا تسمعون ما يقول محمد إن الله يبعث الأموات قال واللات والعزى لأسيرن له ولأخصمنه.

جدول زیر کتاب «اللباب في علوم الكتاب» نمونه‌ای از دو نوع گزارش کوتاه و متوسط است و داده‌های مربوط به دیگر گزارش‌های قرن نهم به شرح زیر است:

نوع متن	پاسخ پیامبر ﷺ	فضای صدور	آدرس	مشخصات منبع
متوسط	دارد	ندارد	ص ۲۲۴۲	بوصیری متوفای ۸۴۰، إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۱۴، ص ۳۲۶ و ۳۲۷	مقریزی متوفای ۸۴۵، إمتاع الأسماع
متوسط	دارد	ندارد	ج ۱۵، ص ۱۴۱	ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲، المطالب العالیة
کوتاه	ندارد	ندارد	ص ۱۷۷	إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۱۲، ص ۱۲۹	عینی متوفای ۸۵۵، عمدة القاري
متوسط	دارد	ندارد	ج ۳، ص ۳۴۷	احمد بن محمود سیواسی متوفای ۸۶۰، عیون التفاسیر
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۵، ص ۲۰	ثعالبی متوفای ۸۷۵، جواهر الحسان في تفسير القرآن
متوسط	دارد	ندارد	ج ۱۶، ص ۲۶۴	عمر بن علی الحنبلی دمشقی النعمانی متوفای ۸۸۰، اللباب في علوم الكتاب ^۱
کوتاه	ندارد	ندارد	ج ۱۲، ص ۱۱	اللباب في علوم الكتاب

در مجموع تعداد ۹ گزارش از ۸ منبع در قرن نهم ثبت شده است و از این تعداد آمار زیر به دست می‌آید:

۱. با ملاحظه دسته بندی‌های متنی، ۵ مورد گزارش کوتاه و ۴ مورد به صورت متوسط نقل شده است.

1. در اتج نرم افزار مکتبه اهل البيت به اشتباه تاريخ وفات ۷۷۵ درج شده است.

۲. از میان نقل‌های قرن نهم ۵ مورد پاسخ پیامبر ﷺ به فرد احتجاج کننده گزارش نشده است.

۳. نام عاص بن وائل تنها در کتاب «إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة» و نام امیه بن خلف در کتاب «عمدة القاري» گزارش شده است و باقی گزارش‌های قرن نهم از ابی بن خلف جحمی به عنوان فرد احتجاج کننده نام برده شده است.

۴. به غیر از گزارش کتاب «إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة» که ناتمام است تمامی گزارش‌ها آیات پایانی سوره یاسین را نازل بر این واقعه بیان می‌کنند.

تطور روایت در منابع شیعه تا قرن ششم

۱۸۱



قرن ششم
تاریخ احادیث مرتبط با شأن نزول آیه ۷۸ سوره یاسین

بررسی سیر تغییرات متنی در منابع شیعه محور اصلی کار در این قسمت از نگاشته است؛ در ادامه متونی از منابع اهل سنت که نسبت به نخستین منابع شیعی تقدم زمانی دارند نیز بررسی شده و از این رهگذر پیشینه روایات شیعه در منابع اهل سنت به دست می‌آید و مشخص می‌شود روایات شیعه تا چه حد متأثر از منابع نخستین اهل سنت است.

تفسیر قمی: اگر انتساب محتوای کتاب تفسیر قمی به علی بن ابراهیم را صحیح بدانیم در این صورت نخستین گزارش در منابع شیعه مربوط به علی بن ابراهیم متوفای ۳۰۷ بوده و متن آن چنین است:

«بَلْ عَجِبُوا» یعنی قریشا «أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ» یعنی رسول الله ص «فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ أَ إِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَاباً ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ» قال نزلت في أبي بن خلف، قال لأبي جهل تعال إلي لأعجبك من محمد، ثم أخذ عظما ففتمه ثم قال يزعم محمد أن هذا يحيى فقال الله: «بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ» يعني مختلفا، ثم احتج عليهم و ضرب للبعث والنشور مثلاً^۱

روایت مذکور از گونه «متون کوتاه» بوده^۲ و همان طور که پیداست آیات ۲ و ۳ سوره «ق» به عنوان شأن نزول ماجرای مورد بحث (شاهد آوردن استخوان در استبعاد معاد جسمانی) معرفی شده‌اند. با توجه به قدمت نگارش کتاب تفسیر قمی، گزارش‌های مشابه آن در منابع اهل سنت نیز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند زیرا این گزارش‌ها مربوط به قرن سوم بوده و نسبت به تفسیر قمی و دیگر منابع شیعی تقدم زمانی دارند به شرح زیر است:

۱. ج ۲، ص ۳۲۳.

۲. با در نظر گرفتن «ویژگی‌های متنی» مشخص می‌شود که روایت فقط به هسته اصلی پرداخته است.

۱. گزارش کتاب غریب الحدیث (ابن سلام، متوفای ۲۲۴)^۱

۲. گزارش کتاب أنساب الأشراف (بلاذری، متوفای ۲۷۹)^۲

۳. گزارش کتاب غریب الحدیث (حربی، متوفای ۲۸۵)^۳

تنها سه متن مشابه به گزارش تفسیر قمی در منابع متقدم اهل سنت یافت شد. با مقایسه این گزارش‌ها معلوم می‌شود در نام شخص احتجاج کننده با پیامبر ﷺ اختلاف نظری وجود ندارد؛ تنها اختلاف در بیان «آیات مرتبط» با این رویداد است که بر خلاف آنچه در تفسیر قمی بیان شده آیات پایانی سوره یاسین در منابع پیشین به عنوان شأن نزول این اتفاق بیان شده است. در ادامه این نکته باید بررسی شود که احادیث قرن چهارم در منابع شیعه تا چه حد متأثر از گزارش تفسیر قمی است؟

تفسیر عیاشی: محمد بن مسعود عیاشی متوفای ۳۲۰ بوده و کتاب تفسیر او دومین منبع نقل رخداده مورد بحث است. در تفسیر عیاشی این روایت بواسطه حلبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

عَنِ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: «جَاءَ أَبِي بَنْ خَلْفٍ فَأَخَذَ عَظْمًا بَالِيًا مِنْ حَائِطٍ، فَفَتَّهَ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّد، إِذَا كُنَّا عَظَامًا وَرُفَاتًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ، مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ؟ فَنَزَلَتْ: قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»^۴

گزارش عیاشی نیز فقط به هسته اصلی پرداخته و از گونه «متون کوتاه» به شمار می‌آید و مانند گزارش‌های «تک جزئی» متقدم در اهل سنت فقط آیات پایانی سوره یاسین را به عنوان شأن نزول این اتفاق بیان کرده است. بنابراین گزارش عیاشی به جهت تشکیل شدن از ساختار تک جزئی مشابه

۱. «قال الله عز وجل «و ضرب لنا مثلا ونسي خلقه قال من يحيي العظام وهي رميم» يقال [منه]: قد رم العظم فهو ريم و يروي أن أبي بن خلف لما نزلت هذه الآية أتى بعظم بال إلى النبي ﷺ فجعل يفته و يقول: أترى الله يا محمد يحيي هذا بعد ما قد رم». ج ۱، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

۲. «و أما أمية و أبي ابنا خلف: ۲۸۱ - فكانا على شر ما يكون عليه أحد من أذى النبي ﷺ و تكذيبه. و جاء أبي بعظم نخر، ففته في يده ثم قال: زعمت يا محمد أن ربك يحيي هذا العظم، ثم نفخه. فنزلت: قال من يحيي العظام وهي رميم؟». ج ۱، ص ۱۳۷.

۳. (من يحيي العظام وهي رميم). نزلت فيما حدثنا شجاع، عن هشيم أخبرنا حصين عن أبي مالك: أن أبي بن خلف جاء بعظم حائل ففته و قال: أبيعث الله هذا. ج ۱ ص ۷۲.

۴. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۹۶.

تفسیر قمی و به جهت تعیین آیه مرتبط با رخداد مورد بحث کاملاً متفاوت از تفسیر قمی است.

أمالی: سومین منبع شیعی کتاب امالی شیخ مفید متوفای ۴۱۳ بوده و متن روایت چنین بیان شده

است:

أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي شَيْخٍ إِجَازَةً قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْحَكِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبُو سَعِيدٍ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا وَهْبُ بْنُ جَرِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ يَسَارٍ الْمَدَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ مِينَاءَ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَنَّ نَفَرًا مِنْ قُرَيْشٍ اعْتَرَضُوا لِرَسُولِ اللَّهِ مِنْهُمْ عُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَ أُمَيَّةُ بْنُ خَلْفٍ وَ الْوَلِيدُ بْنُ الْمُغِيرَةِ وَ الْعَاصُ بْنُ سَعِيدٍ فَقَالُوا يَا مُحَمَّدُ هَلُمَّ فَلْنَعْبُدْ مَا تَعْبُدُ وَ تَعْبُدُ مَا نَعْبُدُ وَ نَشْتَرِكُ نَحْنُ وَ أَنْتَ فِي الْأَمْرِ فَإِنْ يَكُنِ الَّذِي نَحْنُ عَلَيْهِ الْحَقُّ فَقَدْ أَخَذْتَ بِحَظِّكَ مِنْهُ وَإِنْ يَكُنِ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ الْحَقُّ فَقَدْ أَخَذْنَا بِحَظِّنَا مِنْهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ - وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ ثُمَّ مَسَى إِلَيْهِ أَبِي بْنُ خَلْفٍ بِعَظْمٍ رَمِيمٍ فَفَتَنَهُ بِيَدِهِ. ثُمَّ نَفَخَهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَ تَزْعُمُ أَنَّ رَبَّكَ يُحْيِي هَذَا بَعْدَ مَا تَرَى فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ. قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ. إِلَى آخِرِ السُّورَةِ.^۱

روایت شیخ مفید نیز مانند گزارش‌های قبلی در «نام شخص احتجاج کننده» با پیامبر ﷺ اختلاف نظری وجود ندارد. در این روایت نیز همچنان جزء سوم «پاسخ پیامبر ﷺ» بیان نشده است اما تفاوت عمده گزارش شیخ مفید با متون قبلی در اضافه شدن فضای حاکم بر صدور حدیث به ابتدای آن است و این متن در منابع مختلف جستجو شد اما قسمت اول روایت که اشاره به فضای

۱. سعید بن مینا از تعدادی از یارانش نقل کرده است که چند تن از قریش از جمله عتبه بن ربیع و ابی بن خلف، ولید بن مغیره و عاص بن سعید به پیامبر ﷺ اعتراض کردند و گفتند: یا محمد بیا ما خدای تو را عبادت می‌کنیم و تو نیز خدای ما را عبادت کن و با هم در امر (حکومت) شریک گردیم. اگر اعتقاد ما بر حق باشد تو هم از آن بهره‌مند شده‌ای و اگر معتقدات تو بر حق باشد ما نیز بهره خود را برده‌ایم. خداوند این سوره را نازل نمود: بگو: ای کافران! آنچه را شما می‌پرستید من نمی‌پرستم! و نه شما آنچه را من می‌پرستم می‌پرستید تا آخر سوره؛ و سپس ابی بن خلف با استخوان پوسیده‌ای که به دست خود داشت سوی حضرت آمد و آن را با دست نرم کرد و سپس بدان دمید و گفت: ای محمد گمان داری پروردگار تو این استخوان را پس از این حالت که دیدی زنده می‌کند؟ خدای متعال این آیه را فرستاد: «و برای ما مثل زده- و آفرینش خود را فراموش نموده- گفت: چه کسی استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟ بگو زنده می‌کند آن را همان کس که اولین بار آفریدش و او به هر آفریده‌ای داناست. ال‌امالی (للمفید)، النص، ص ۲۴۶.

صدور دارد در منابع شیعه و اهل سنت یافت نشد. 'لذا آنچه را که شیخ مفید گزارش کرده متفاوت از گزارش‌های قبلی در منابع فریقین است.

مجمع البیان: چهارمین محقق شیعی که این روایت را نقل کرده مرحوم طبرسی متوفای ۵۴۸ است. وی در دو کتاب مجمع البیان و احتجاج دو روایت متفاوت نقل می‌کند؛ روایتی که در کتاب تفسیر مجمع البیان نقل شده از جهت محتوایی و به لحاظ اجزاء متنی مانند روایت کتاب تفسیر عیاشی و تفسیر قمی تک جزئی است. نکته دیگر اینکه در نام شخص احتجاج کننده با پیامبر ﷺ اختلافی وجود ندارد. روایت چنین است:

نزل قوله «و يقول الانسان» الآية، في أبي بن خلف الجمحي و ذلك أنه أخذ عظما باليا فجعل يفته بیده و يذريه في الريح و يقول: زعم محمد صلى الله عليه وآله وسلم أن الله يبعثنا بعد أن نموت و نكون عظاما مثل هذا إن هذا شيء لا يكون أبدا عن الكلبي. و قيل: نزلت في الوليد بن المغيرة في رواية عطاء عن ابن عباس.^۲

در انتهای روایت، مرحوم طبرسی به نقل دیگری اشاره می‌کند که از ولید بن مغیره به عنوان شخص احتجاج کننده با پیامبر ﷺ نام برده است. بنابراین اگر گزارش تفسیر قمی را لحاظ نکنیم و فاقد اعتبار بدانیم در گزارش‌هایی که مؤلفان شیعه نقل کرده اند سه ویژگی مشابه وجود دارد:

۱. پاسخ پیامبر ﷺ به فرد متخاصم بیان نشده است.
۲. در نام شخص احتجاج کننده با پیامبر ﷺ اختلاف نظری وجود ندارد.
۳. آیات پایانی سوره یاسین به عنوان شأن نزول این اتفاق است که در آن اختلاف نظری وجود ندارد.

نکته پایانی: معرفی آیات ابتدایی سوره «ق» به عنوان شأن نزول رخداد مورد بحث (با بیان جزئیات آن) در منابع فریقین به ندرت نقل شده است. با بررسی منابع متقدم نسبت به تفسیر قمی معلوم می‌شود که نخستین بار در تفسیر مقاتل بن سلیمان به ارتباط آیات ابتدایی سوره «ق» با رخداد مورد بحث پرداخته شده با این تفاوت که در گزارش مقاتل بن سلیمان اشاره‌ای به جزئیات داستان (استخوان پوسیده) نمی‌شود. همچنین در این گزارش از افرادی در کنار ابی بن خلف نام برده می‌شود

۱. شیخ طوسی نیز در امالی خود همین روایت را با سند مذکور نقل می‌کند. ص ۱۹ و ۲۰.

۲. تفسیر مجمع البیان ج ۶، ص ۴۳۷.

که نام این افراد در غالب گزارش ها یافت نمی شود.^۱

نکته پایانی: با در نظر گرفتن مجموع گزاره های موجود در کتب اهل سنت می توان گفت مسئله انکار معاد توسط عده ای از مشرکان قریش، به دفعات و در حالات مختلف رخ داده است و به همین دلیل مفسران اهل سنت شأن نزول آیه هایی که به موضوع انکار معاد مربوط است را به ابی بن خلف و عده ای از مشرکان قریش نسبت داده اند.

البته این فرضیه با داده های موجود در کتب شیعه قابل طرح نیست چرا که با در نظر گرفتن مجموع گزاره های موجود در کتب شیعه می توان گفت این اتفاق یکبار رخ داده و در شأن نزول آن هم اختلافی وجود ندارد.

نتیجه گیری

برخی از کفار در مقام انکار معاد به استخوان پوسیده ای مثال زده و با پیامبر ص به احتجاج پرداخته اند. غالب گزارش های موجود در منابع فریقین این رخداد را علت و شأن نزول آیه ۷۸ سوره یاسین معرفی کرده اند. به کمک دانش تخریح سعی شد تمامی گزارش های مکتوب در طول ۸ قرن گردآوری و از جهت متنی بررسی شوند. نام فردی که با پیامبر ﷺ احتجاج کرده و کیفیت پاسخی که او از پیامبر ﷺ دریافت می کند و نیز شأن نزول آیه مربوطه از جمله موضوعات اختلافی در روایات است. در مجموع از میان ۷۷ کتاب ۱۱۵ گزارش مورد بررسی متنی قرار گرفت و نتایج آن به شرح زیر است.

۱. **شأن نزول آیه مربوطه:** از مجموع ۱۱۵ گزارش تعداد ۱۰ مورد اشاره ای به شأن نزول ندارند ۱۰ مورد نیز سوره ای غیر از آیات پایانی سوره یاسین را در شأن نزول رخداد مربوطه بیان داشته اند لذا نقل مشهورتر این است که شأن نزول آیات پایانی سوره یاسین مربوط به احتجاج فرد متخاصم با پیامبر ﷺ است اگر چه به ظاهر استبعاد وجود ندارد که برای یک واقعه و موضوع مهم چند آیه در زمان های مختلف نازل شده و اهمیت آن حادثه را یادآور شوند؛ اما در موضوع مورد بحث با توجه به تفاوت قابل توجه میان گزارش ها می توان برخی نقل های اختلافی در تعیین آیه مورد

۱. نزلت فی أبی بن خلف الجمحي، و أبی الأشدین و اسمه [۱۶۸ أ] أسید بن کلدة، و هما من بنی جمح و نبیه و منبه أخوین ابني الحجاج السهميين، و کلهم من قریش، و قالوا: إن الله لا یحیینا، و کیف یقدر علینا إذا کنا ترابا و ضللنا فی الأرض؟ یقول الله- تعالی-: قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ یقول ما أکلت من الموتی من لحوم، و عروق، و عظام بنی آدم- ما خلا العصعص-: و تأکل لحوم الأنبياء «و العروق»، «ما خلا» عظامهم مع علمي فیهم «و عُنْدَنَا کِتَابٌ حَقِیْطٌ». تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ص ۱۱۰.

نظر را بر سوء برداشت و یا نظر شخصی مؤلفان حمل کرد. سیرتطور متون در انتساب آیه به موضوع مورد بحث در جدول زیر قابل مشاهده است:

شماره قرن	تنوع آیات و سور مرتبط با موضوع	شماره قرن	تنوع آیات و سور مرتبط با موضوع
۲	۲۳ احقاف	۶	۶۶ مریم
۳	۱۷ انفال	۶	۴ نحل
۴	۲ و ۳ و ۵ قاف	۷	۱۷ انفال
۵	۱۷ انفال	۷	۶۶ مریم
۵	۴ نحل	۸	۴ نحل

۲. فضای صدور روایت: از میان گزارش‌های به دست آمده از ۷۷ کتاب فقط ۸ گزارش یافت شد که ناظر به فضای صدور روایت است. با کمک این نوع از گزارش‌ها می‌توان برخی از اختلافات متنی نظیر تفاوت در «نام فرد متخاصم» را توجیه کرد چرا که همه این نام‌های مورد اختلاف در توصیفات فضای حاکم بر روایت وجود دارد. همان‌طور که در جدول هم قابل مشاهده است سیر نقل این نوع از گزارش‌ها از قرن ۲ شروع می‌شود و به غیر از قرن‌های ۷ و ۹ معمولاً در هر قرن فضای حاکم بر روایت گزارش شده است:

قرن	مشخصات منبع	مضمون فضای حاکم بر روایت
۲	تفسیر مقاتل بن سلیمان ج ۳ ص ۹۲	افرادی نظیر «أبا جهل، ولید بن مغیره، عتبة و شیبۀ ابني ربيعة، عقبة و عاص بن وائل در مجلسی نشسته بودند که ابی‌بن خلف خطاب به آنان می‌گوید محمد گمان می‌کند که خداوند مردگان را زنده می‌کند من با استخوانی نزد او می‌روم و...»
۳	أنساب الأشراف ج ۱ ص ۱۴۲	افرادی نظیر «نضر و أمیة بن خلف و أبو جهل» خطاب به پیامبر ﷺ چنین گفتند: اگر قرآن از جانب خداوند بر تو نازل شده پس پدران ما را زنده کن و... اگر این درخواست‌ها را اجابت کنی ایمان خواهیم آورد سپس خداوند آیات «و لو أن قرآنا سیرت به

		الجبال أو قطعت به الأرض أو كلم به الموتى « تا عبارت «فكيف كان عقاب» را نازل کرد و در ادامه نصر با استخوانی....
۴	تفسير القرآن العظيم ج ۱۰، ص ۳۲۰۲، ش ۱۸۱۲۴	زمانی که آیه «إن الناس يحاسبون بأعمالهم و مبعوثون يوم القيامة» بر پیامبر ﷺ نازل شد کفار به شدت آن را انکار کردند در این هنگام ابي بن خلف...
۴	تفسير السمرقندي ج ۳، ص ۱۲۵	زمانی که پیامبر ﷺ خطاب به اهل مکه بیان داشت تمامی مردگان قرون گذشته بعد مرگ برانگیخته خواهند شد و شما اهل مکه هم به همراه آنان خواهید بود سپس ابي بن خلف..
۵	امالی (شيخ مفيد)، ص ۲۴۶ و امالی (شيخ طوسي)، ص ۱۹ و ۲۰	گروهی از کفار قریش نظیر عتبة بن ربيعة، أمية بن خلف، ولید بن مغيرة و عاص بن سعيد به پیامبر ﷺ متعرض شدند که ما خدای تو را پرستش میکنیم و شما نیز خدای ما را پرستش کنید و از این حیث به اشتراک رسیده و اختلافی نمی ماند و اگر ما به حق بودیم شما را نیز بهره ای از آن خواهد بود و اگر شما به حق بودید ما از آن بهره خواهیم برد سپس سوره کافرون نازل شد و در ادامه ابي بن خلف...
۵	درج الدرر فی تفسير القرآن العظيم ج ۲، ص ۱۸۲	زمانی که پیامبر ﷺ خطاب به اهل قریش بیان داشت تمامی مردگان قرون گذشته بعد مرگ برانگیخته خواهند شد سپس ابي بن خلف...
۶	الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ج ۴، ص ۳۲	گروهی از کفار قریش نظیر ابي بن خلف جمحي، أبو جهل، عاص بن سعيد و ولید بن مغيرة پیرامون زنده شدن پس از مرگ صحبت میکردند ابي بن خلف به آن ها چنین گفت: آیا به آنچه محمد میگوید توجه ندارید او میگوید «به درستی خداوند مردگان را برمی انگیزد» سپس گفت: سوگند به لات و عَزَّا نزد او میروم و با

او مقابله (دشمنی) می کنم		
مانند گزارش زمخشری است.	تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۵، ص ۵۴۷	۸

۳. فرد متخاصم: همان طور که گذشت در غالب گزارش ها از ابی بن خلف به عنوان فرد متخاصم یاد شده است اما از قرن ۳ به بعد نام های دیگری نیز مطرح می شود که سیر ورود نام های مختلف به کتب روایی در جدول زیر قابل مشاهده است:

نام فرد متخاصم	منبع گزارش	قرن	تعداد گزارش ها
نضر	أنساب الأشراف	۳	۱
عاص بن وائل سهمی	تفسیر الماتریدی ۱ جامع البیان ۲ تفسیر القرآن العظیم ۲ المعجم فی أسامي شیوخ أبي بكر الإسماعيلي ۱ معاني القرآن ۱	۴	۷
عبدالله بن ابی	جامع البیان ۱	۴	۱
عاص بن وائل	مستدرک ۱ و تلخیص المتشابه فی الرسم ۱	۵	۲
دو وجهی (عاص بن وائل و ابی بن خلف)	النکت والعیون ۱ والوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز ۱	۵	۲
امیه بن خلف	الهدایة إلى بلوغ النهایة	۵	۱
دو وجهی (عاص بن وائل و ابی بن خلف)	تفسیر مجمع البیان	۶	۱
چهار وجهی (امیه بن خلف، عبدالله بن ابی ابن سلول، ابی بن خلف و	المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز	۶	۱

			المعاصي بن وائل السهمي)
۱	۶	زاد المسير في علم التفسير	پنج وجهی (العاص بن وائل السهمي، عبد الله بن أبي ابن سلول، أبو جهل بن هشام، أمية بن خلف و أبي بن خلف الجمحي)
۱	۷	الأحاديث المختارة أو المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج به البخاري ومسلم في صحيحهما	عاص بن وائل
۱	۷	تفسير العز بن عبد السلام	دو وجهی (عاص بن وائل و ابی بن خلف)
۱	۷	الجامع لأحكام القرآن	سه وجهی (عبد الله بن أبي، عاص بن وائل، أبي بن خلف)
۳	۸	التسهيل لعلوم التنزيل، تخریج الأحاديث والآثار، تفسير القرآن العظيم	عاص بن وائل
۱	۸	تخریج الأحاديث والآثار	ابی جهل
۱	۸	تفسير مبهمات القرآن	چهار قول: عبد الله بن أبي، أمية بن خلف، عاص بن وائل، أبي بن خلف
۱	۹	إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة	عاص بن وائل
۱	۹	عمدة القاري	أمية بن خلف

اولین تغییر نام از اواخر قرن سوم و در کتاب «أنساب الأشراف» آغاز می‌شود. در این کتاب دو

روایت نقل شده که در روایت اول از ابی بن خلف الجمحی و در روایت دوم از «النضر» نام برده می‌شود. نام «النضر» در دیگر منابع تکرار نشده است. بعد از ابی بن خلف بیشترین نام مربوط به عاص بن وائل است سپس نام های عبد الله بن ابی، أمیه بن خلف و أبو جهل بن هشام تکرار شده است.

۴. پاسخ پیامبر ﷺ: با بررسی محتوای نقل‌های مختلف معلوم شد که به لحاظ محتوایی می‌توان سه جزء برای آن متصور بود؛ برخی از نقل‌ها مشتمل بر هر سه جزء «اشاره به فضای صدور»، «هسته اصلی» و «پاسخ پیامبر ﷺ» بوده که ذیل عنوان «نقل‌های بلند» بررسی شدند؛ برخی فقط به هسته اصلی روایت پرداخته و «نقل‌های کوتاه» نام گرفتند و متن‌های دو جزئی هم «نقل‌های متوسط» نامیده شدند. با بررسی متون مختلف معلوم شد که علت کوتاه بودن متن برخی از گزارش‌ها تا حدی قابل توجیه است چرا که برخی از مؤلفان درصدد بیان جزئیات اتفاقات در عصر نبوی نبوده و به فراخور موضوع مورد بحث در کتاب خود اشاره‌ای به گزارش مربوطه داشته‌اند؛ از این‌رو در برخی گزارش‌ها پاسخ پیامبر ﷺ به فرد متخاصم بیان نشده است.

۵. رویکرد تفسیری مفسران: با توجه به گزارش‌های مختلف در منابع اهل سنت دو فرضیه در رویکرد تفسیری برخی مفسران قابل طرح است: ۱. تعمیم شأن نزول آیه‌ای به آیات و یا مضامین مشابه ۲. نزول آیات با مضامین مشابه به تناسب تکرار اتفاقات مشابه در عصر نبوی

۶. تفاوت منابع شیعه و اهل سنت: با وجود اتصال کتابت حدیث شیعه به عصر نبوی تعداد گزارش‌ها و تکرار منابع یافت شده در شیعه نسبت به اهل سنت کمتر است از طرفی نیز تفاوت متنی میان گزارش‌ها در شیعه نسبت به اهل سنت بسیار کمتر بوده که این رویداد دلیل محکمی بر اتقان احادیث شیعی است.

۷. احتمال وضع و جعل: تناسبی میان تأخر زمانی گزارش‌ها و تکرار منابع و یا تعداد گزارش‌ها وجود ندارد به‌عنوان نمونه تعداد ۹ گزارش از ۸ منبع در گزارش‌های قرن نهم ثبت شده است اما در قرن چهارم ۱۹ گزارش از مجموع ۹ منبع نقل شده است و این مسئله احتمال وضع و جعل در گزارش مربوطه را تضعیف می‌کند اما این مسئله به معنای مصونیت گزارش‌ها از آسیب‌های متنی نیست.

فهرست منابع

١. إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة، بوضيري، تحقيق: أبي عبد الرحمن عادل بن سعد و أبي إسحاق السيد بن محمود. رياض: الرشد، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٢. إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر عسقلاني، تحقيق: مركز خدمة السنة و السيرة بإشراف د. زهير بن ناصر الناصر. مدينه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف و مركز خدمة السنة و السيرة النبوية، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٣. الأحاديث المختارة أو المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج به البخاري و مسلم في صحيحيهما، ضياء الدين أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد المقدسي، تحقيق: عبد الملك بن عبد الله بن دهيش. بيروت: دار خضر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ دوم، ١٤٢٠ق.
٤. الإحتجاج على أهل اللجاج، احمد بن علي طبرسي، تحقيق: سيد محمد باقر خراسان. نجف: دار النعمان للطباعة و النشر، ١٣٨٦ق.
٥. أسباب نزول الآيات، واحدي النيسابوري. قاهره: مؤسسة الحلبي و شركاه للنشر و التوزيع، ١٣٨٨ق.
٦. الاكتفاء بما تضمنه من مغازي رسول الله و الثلاثة الخلفاء، سليمان بن موسى الكلاعي، تحقيق: محمد عبد القادر عطا. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٧. الأمالي (للطوسي)، محمد بن الحسن طوسي، تحقيق: مؤسسة البعثة. قم: دار الثقافة، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٨. الأمالي، محمد بن محمد مفيد، تحقيق و تصحيح: حسين استاد ولي و علي اكبر غفاري. قم: كنز شيوخ مفيد، ١٤١٣ق.
٩. إمتاع الأسماع، المقرئزي، تحقيق: محمد عبد الحميد النميس. بيروت: منشورات محمد علي بيضون، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
١٠. الانتصار في الرد على المعتزلة القدرية الأشرار، أبو الحسين يحيى بن أبي الخير بن سالم العمراني اليمني الشافعي، تحقيق: سعود بن عبد العزيز الخلف. رياض: أضواء السلف، چاپ اول، ١٤١٩ق.

١١. أنساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر (البلاذري)، تحقيق: الدكتور محمد حميد الله. مصر: معهد المخطوطات بجامعة الدول العربية بالاشتراك مع دار المعارف، ١٣٧٩ق.
١٢. أنوار التنزيل و أسرار التأويل (تفسير البيضاوي)، عبد الله بن محمد الشيرازي الشافعي البيضاوي، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلي. بيروت: دار إحياء التراث العربي للطباعة والنشر والتوزيع - مؤسسة التاريخ العربي، چاپ اول، ١٤١٨ق.
١٣. الأهوال، أبو بكر عبد الله بن محمد بن عبيد بن سفيان بن قيس البغدادي الأموي القرشي، تحقيق: مجدي فتحي السيد. مصر: مكتبة آل ياسر، ١٤١٣ق.
١٤. إيمان أبي طالب (الحجة على الذاهب إلى تكفير أبي طالب)، فخار بن معد الموسوي، تحقيق: السيد محمد بحر العلوم. بغداد: مكتبة النهضة، چاپ دوم: ١٣٨٤ق.
١٥. البرهان، أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر زركشي، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم. بيروت: دار إحياء الكتب العربية، عيسى البابي الحلبي وشركائه، چاپ اول، ١٣٧٦ق.
١٦. بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث، علي بن أبي بكر الهيثمي، تحقيق: مسعد عبد الحميد محمد السعدني. قاهرة: دار الطلائع للنشر والتوزيع والتصدير، بی تا.
١٧. تأويلات أهل السنة، محمد بن محمد ماتريدي، تحقيق: مجدي باسلوم. بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
١٨. التبيان في تفسير القرآن، شيخ طوسي، تحقيق: أحمد حبيب قصير عاملي. ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
١٩. تخريج الأحاديث والآثار، الزيلعي، تحقيق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد. رياض: دار ابن خزيمة، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٢٠. التسهيل لعلوم التنزيل، أبو القاسم محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله ابن جزي كلبی غرناطي، تحقيق: عبد الله خالدی. بيروت: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٢١. تفسير القرآن، عبد الرزاق الصنعاني، تحقيق: الدكتور مصطفى مسلم محمد. رياض: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع الرياض - المملكة العربية السعودية، چاپ اول، ١٤١٠ق.
٢٢. تفسير الخازن المسمى لباب التأويل في معاني التنزيل، علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم البغدادي الشهير بالخازن. بيروت: دار الفكر، ١٣٩٩ق.

٢٣. تفسير السمرقندي، أبو الليث السمرقندي، تحقيق: د. محمود مطرجي. بيروت: دار الفكر، بی تا.
٢٤. تفسير السمعاني، سمعاني، تحقيق: ياسر بن إبراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم. رياض: دار الوطن، چاپ اول، ١٤١٨ق.
٢٥. تفسير العز بن عبد السلام، عز بن عبد السلام، تحقيق: عبد الله بن إبراهيم الوهبي. بيروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٢٦. تفسير العياشي، محمد بن مسعود العياشي، تحقيق: هاشم رسولي محلاتي. تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، ١٣٨٠ق.
٢٧. تفسير القرآن العزيز، أبو عبد الله محمد بن عبد الله بن عيسى بن محمد المري، الإلبيري المعروف بابن أبي زَمَنِين المالكي، تحقيق: أبو عبد الله حسين بن عكاشة و محمد بن مصطفى الكنز. القاهرة: الفاروق الحديثة، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٢٨. تفسير القرآن العظيم، ابن كثير، تحقيق: يوسف عبد الرحمن مرعشلي. بيروت: دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٢ق.
٢٩. تفسير القرآن العظيم، عبد الرحمن بن محمد، ابن أبي حاتم الرازي، تحقيق: أسعد محمد الطليب. رياض: مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ سوم، ١٤١٩ق.
٣٠. تفسير القمي، علي بن إبراهيم قمي، تحقيق: طيّب موسوی جزائری. قم: دار الكتاب، چاپ سوم، ١٤٠٤ق.
٣١. التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٣٢. تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان، حسن بن محمد نظام الاعرج، تحقيق: زكريا عميرات. بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٣٣. تفسير مبهمات القرآن (الموسوم بصلة الجمع و عائد التذييل لموصول كتابي الاعلام و التكميل)، محمد بن علي بلنسي، تحقيق: حنيف قاسمی. بيروت: دار الغرب الإسلامي، چاپ اول، ١٤١١ق.
٣٤. تفسير مجمع البيان، فضل بن حسن الطبرسي، تحقيق و تعليق: لجنة من العلماء و المحققين الأخصائيين. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چاپ اول، ١٤١٥ق.

٣٥. تفسير مقاتل بن سليمان، ابوالحسن مقاتل بن سليمان ازدي بلخي، تحقيق: أحمد فريد. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
٣٦. «تفسير مقاتل بن سليمان و جایگاه آن»، مطالعات قرآن و حدیث، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ١٣٨٧ش.
٣٧. تفسير يحيى بن سلام، يحيى بن سلام التيمي البصري القيرواني. بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، ١٤٢٥ق.
٣٨. تلخيص المتشابه في الرسم، خطيب بغدادي، تحقيق: سكينه شهابي. دمشق: طلاس للدراسات و الترجمة و النشر، چاپ اول، بی تا.
٣٩. جامع البيان عن تأويل آي القرآن، محمد بن جرير الطبري، تحقيق: الشيخ خليل الميس. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر و التوزيع، ١٤١٥ق.
٤٠. الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبي)، محمد بن احمد قرطبي، تحقيق: محمد محمد حسنين. بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٥ق.
٤١. جواهر الحسان في تفسير القرآن، أبو زيد عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف ثعالبي، تحقيق: الدكتور عبد الفتاح أبو سنة و الشيخ علي محمد معوض و الشيخ عادل أحمد عبد الموجود. بيروت: دار إحياء التراث العربي، مؤسسة التاريخ العربي، چاپ اول، ١٤١٨ق.
٤٢. درج الدرر في تفسير القرآن العظيم، عبد القاهر بن عبد الرحمن جرجاني، تحقيق: طلعت صلاح فرحات. عمان: دار الفكر، چاپ اول، ١٤٣٠ق.
٤٣. دلائل النبوة، أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني، تحقيق: دكتور محمد رواس قلعه جي و عبد البر عباس. بيروت: دار النفائس، چاپ دوم، ١٤٠٦ق.
٤٤. رموز الكنوز في تفسير الكتاب العزيز، عبدالرزاق بن رزق الله رسعني، تحقيق: عبد الملك ابن دهيش. مکه مکرمه: مكتبة الأسدي، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
٤٥. الروض الأنف في شرح السيرة النبوية لابن هشام، أبو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد السهيلي، تحقيق: عمر عبدالسلام السلامي. بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٤٦. زاد المسير في علم التفسير، ابن الجوزي، تحقيق: محمد بن عبد الرحمن عبد الله. دار الفكر للطباعة والنشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٠٧ق.

٤٧. زاد المعاد في هدي خير العباد، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية. بيروت: مؤسسة الرسالة، الكويت: مكتبة المنار الإسلامية، چاپ بیست و هفتم، ١٤١٥ق.
٤٨. السيرة النبوية، ابن هشام الحميري، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد. القاهرة: مكتبة محمد علي صبيح و أولاده، ١٣٨٣ق.
٤٩. عمدة القاري شرح صحيح البخاري، بدر الدين محمود بن أحمد العيني. بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
٥٠. عيون التفاسير، احمد بن محمود سيواسی، تحقيق: بهاء الدين دارتما. بيروت: دار صادر، چاپ اول، ١٤٢٧ق.
٥١. غريب الحديث، ابن سلام، تحقيق: محمد عبد المعيد خان. بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ اول، ١٣٨٤ق.
٥٢. غريب الحديث، الحربي، تحقيق: دكتور سليمان بن إبراهيم بن محمد العاير. جدة: دار المدينة للطباعة والنشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
٥٣. الفايق في غريب الحديث، زمخشري. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٥٤. الكامل في التاريخ، ابن أثير. بيروت: دار صادر للطباعة و النشر - دار بيروت للطباعة و النشر، ١٣٨٦ق.
٥٥. الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد زمخشري. بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
٥٦. كشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاری)، عبد الله بن محمد انصاری، تحقيق: احمد بن محمد مبيدى. تهران: امير كبير، چاپ پنجم، ١٣٧١ش.
٥٧. الكشف والبيان عن تفسير القرآن (تفسير الثعلبي)، ثعلبي، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور. بيروت: دار إحياء التراث العربي، لبنان، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٥٨. لباب التفاسير، أبو القاسم محمود بن حمزة الكرمانی، تحقيق: أربع رسائل دكتوراة بقسم القرآن وعلومه بكلية أصول الدين في جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية بالرياض، بی تا.

٥٩. الباب في علوم الكتاب، أبو حفص سراج الدين عمر بن علي بن عادل الحنبلي الدمشقي النعماني، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود و الشيخ علي محمد معوض. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٦٠. المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ابن عطية الأندلسي، تحقيق: عبد السلام عبد الشافي محمد. لبنان: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٣ق.
٦١. مدارك التنزيل و حقايق التاويل (تفسير النسفي)، عبد الله بن احمد نسفي. بيروت: دار النفائس، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٦٢. المستدرک علی الصحیحین، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١١ق.
٦٣. المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، أحمد بن علي بن حجر العسقلاني، تحقيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشثري. السعودية: دار العاصمة، دار الغيث، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٦٤. معالم التنزيل في تفسير القرآن، البغوي، تحقيق: خالد عبد الرحمن العك. بيروت: دار المعرفة، بی تا.
٦٥. معاني القرآن، النحاس، تحقيق: الشيخ محمد علي الصابوني. عربستان: جامعة أم القرى، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٦٦. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، سيد ابوالقاسم خوئي. چاپ پنجم، ١٣٧٢ش.
٦٧. المعجم في أسامي شيوخ أبي بكر الإسماعيلي، أبو بكر أحمد بن إبراهيم بن إسماعيل بن العباس بن مرداس الإسماعيلي الجرجاني، تحقيق: د. زياد محمد منصور. مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، چاپ اول، ١٤١٠ق.
٦٨. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف. نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
٦٩. النكت و العيون تفسير الماوردي، علي بن محمد ماوردي. بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، چاپ اول، بی تا.

٧٠. نهاية الأرب في فنون الأدب، شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب النويري. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
٧١. الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، علي بن احمد واحدي، تحقيق: صفوان عدنان داوودي. بيروت: دار القلم، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٧٢. الوسيط في تفسير القرآن المجيد، واحدي. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، بی تا.
٧٣. الهداية إلى بلوغ النهاية في علم معاني القرآن و تفسيره و أحكامه و جمل من فنون علومه، أبو محمد مكي بن أبي طالب حَمَوَش بن محمد بن مختار القيسي القيرواني، تحقيق: مجموعة رسائل جامعية بكلية الدراسات العليا و البحث العلمي - جامعة الشارقة بإشراف أ. د. الشاهد البوشيخي. مجموعة بحوث الكتاب و السنة - كلية الشريعة و الدراسات الإسلامية - جامعة الشارقة، چاپ اول، ١٤٢٩ق.

